

تَمَدُّنٌ دَرِ عَصْرِ ظَهْوَرِ مَهْدِيٍّ

عَلَيْهِ السَّلَامُ

تأليف: عباس المدرّسی
ترجمه و نگارش: لطیف راشدی

تمدن در

عصر ظهور مهدی علیه السلام

تألیف: عباس المدرسی

ترجمه و نگارش: لطیف راشدی

مدرّسی، عباس
تمدّن در عصر ظهور مهدی - علیه السلام - / تألیف: عباس
المدرّسی؛ ترجمه و نگارش: لطیف راشدی؛ ویراستار: محمّد رضا
حاج شریفی خوانساری - قم: موسسه انتشارات حضور، ۱۳۸۲.
۱۱۲ ص

ISBN 964 - 6272 - 78 - 9 : ۵۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: به صورت زیر نویس.

۱. مهدویت. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - ۳.
آینده نگری. ۴. مهدویت - احادیث. الف. راشدی، لطیف، ۱۳۳۲.
- مترجم. ب. عنوان.

۲۹۷ / ۴۶۲

ت ۸ م ۳۷ / ۴ / ۲۲۴ BP

۱۳۸۱

۱۷۵۳۵ - ۸۰ م

کتابخانه ملی ایران
محل نگهداری:



مؤسسه انتشارات حضور

قم / میدان شهدا / اول خیابان حجّتیّه / شماره ۷۵

تلفن ۷۷۴۴۶۵۱ / دورنویس ۷۷۴۳۷۵۶ (کد ۰۲۵۱)

تمدّن در عصر ظهور مهدی علیه السلام

مؤلف: عباس المدرّسی

ترجمه و نگارش: لطیف راشدی

ویراستار: محمّد رضا حاج شریفی خوانساری

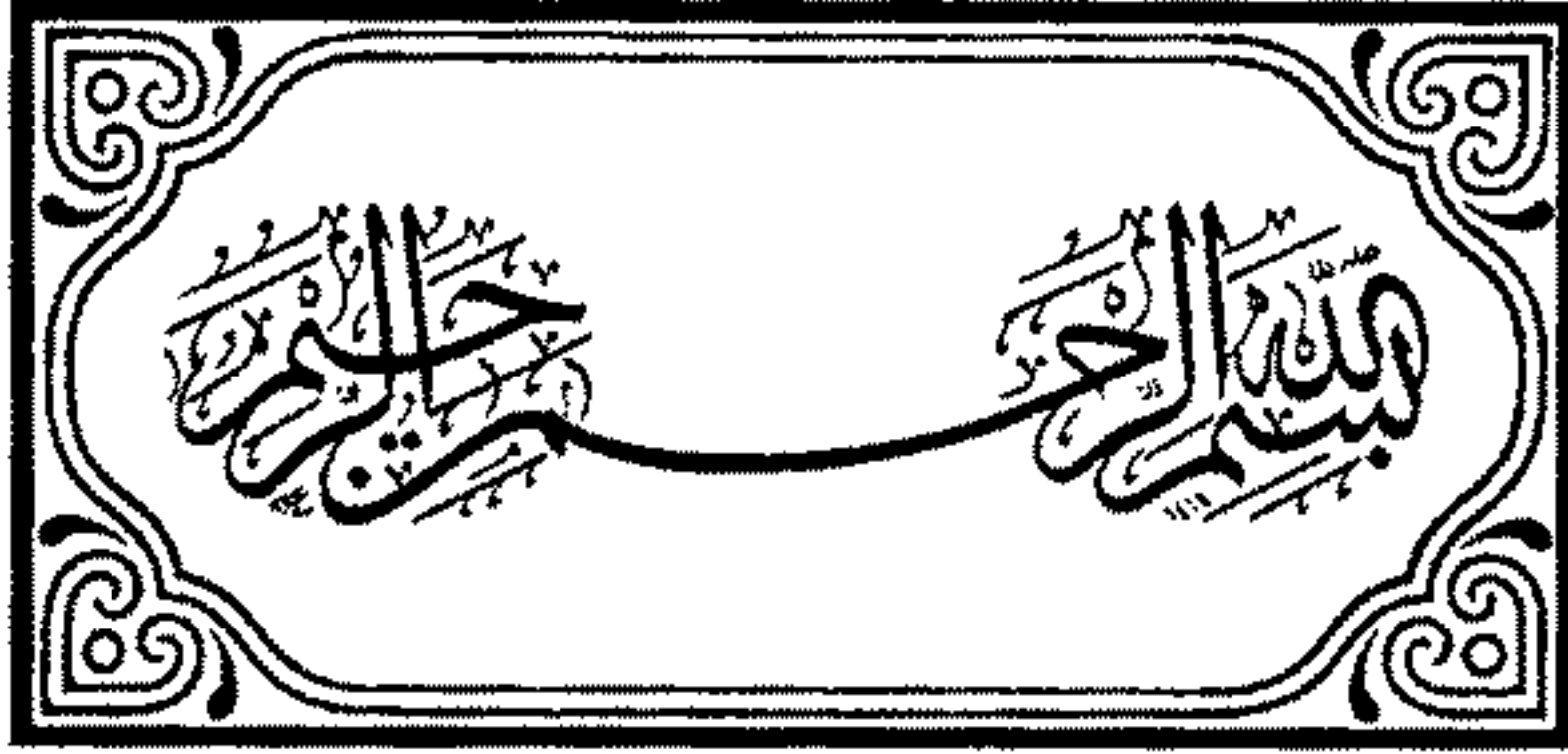
● چاپخانه: پاسدار اسلام ● نوبت چاپ: اول ● تاریخ چاپ: بهار ۱۳۸۲

● قطع رقعی / ۱۱۲ صفحه ● نیراز: ۵۰۰۰ نسخه

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹ - ۷۸ - ۶۲۷۲ - ۹۶۴ - ۹۶۴ - ۶۲۷۲ - ۷۸ - ۹ ISBN 964 - 6272 - 78 - 9

۵۰۰ تومان



بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ

أَنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

(هود - ٨٦)

فهرست

- مقدمه ویراستار ۵
- مقدمه مترجم ۱۱
- وجدان جهانی در جستجوی حضرت مهدی «عج» ۱۷
- چرا به حضرت مهدی «عج» ایمان آوریم؟ ۲۱
- مهدی مُتَنظَر کیست؟ ۳۱
- ميلاد حضرت مهدی «عج» ۳۷
- چرا ایمان به حضرت مهدی «عج» را رد می‌کنند؟ ۵۱
- تمدن در عصر امام مهدی «عج» چگونه خواهد بود؟ ۶۱
- دانش در عصر امام مهدی «عج» ۶۵
- امنیت جهان هستی در سایه تمدن حضرت مهدی «عج» ... ۷۵
- گشایش اقتصادی ... در سایه تمدن امام مهدی «عج» ۸۹
- شکوفایی عمران و آبادانی در عصر حضرت مهدی «عج» .. ۹۵
- اوج کمال انسانی در عصر امام مهدی «عج» ۱۰۱
- امام مهدی «عج» چگونه پیروز خواهد شد؟ ۱۰۳
- سیمای حکومت حضرت مهدی «عج» در قرآن ۱۱۱

مقدمه ویراستار

باسم الله تعالى و له الحمد و الثناء

ألا يا أيها المهدى مدام الوصلِ ناولها
که در دوران هجرانت بسی افتاد مشکها
صبا از نکهت کویت نسیمی سوی ما آورد
زسوز شعله شوقت چو تاب افتاد در دلها
چونور مهر تو تابید بر دلهای مشتاقان
زخود آهنگ حق کردند، بر بستند محملها
دل بی بهره از مهت حقیقت را کجا یابد
حق از آینه رویت تجلی کرد بر دلها^۱
هدف خدای سبحان از ارسال رسولان و جانشینان معصوم آنان،
برقراری قسط و عدل و اصلاح همه جانبه جامعه بشری و استقرار تمدنی
حقیقی بوده است؛ آخرین آن برگزیدگان، مهر تابان و حجت یزدان، امید

۱. شوق مهدی علیّه، ملا محسن فیض، ص ۸۲

امیدواران و پناه بی‌پناهان، منجی عالمیان از ظلم و طغیان، حضرت صاحب الزمان - یملأ الله به الارض الامن و الامان - می‌باشد.

امید نهایی انسانها، رسیدن به عدالتی واقعی و جهان شمول است، و در تمام ادیان و مذاهب و ملل از مصلحتی غیبی و عدالت گستری جهانی خبر داده‌اند - هرچند بعضی در مصداق دچار اشتباه شده‌اند -؛ در این میان مسلمانان اتفاق داشته‌اند که آن منجی بزرگ بشریت حضرت حجة بن الحسن العسکری - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - است.

کتب آسمانی از او خبر داده و تأویل برخی از آیات قرآن کریم، آن وجود مقدس می‌باشد؛ در احادیث بسیاری مژده آمدنش داده شده و کتب فراوانی پیرامونش به رشته تحریر در آمده‌است.

در کلام الله مجید، پیرامون حضرتش چنین آمده:

«و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَ نُمْكِنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ»^۱.

«ما خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم، و آنان را پیشوایان (راستین) و وارثان روی زمین قرار دهیم، و حکومتشان را در زمین پا بر جا سازیم».

حضرت علی علیه السلام درباره این آیه کریمه می‌فرماید:

«مستضعفان یاد شده در قرآن که پروردگار اراده پیشوایی آنان را نموده، ما خاندان پیامبریم، و خداوند مهدی این

خاندان را بر انگیزد، و توسط او آنها را به عزت و عظمت رساند و دشمنانشان را دچار ذلت نماید.^۱

خدای مَنان در جای دیگر می‌فرماید:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».^۲

«ما در زبور [و کتب آسمانی پیشین] پس از ثبت در لوح محفوظ [یا تورات، یا قرآن] نوشتیم که: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد».

امام محمد باقر علیه السلام فرموده:

«اینان یاران مهدی علیه السلام در آخر الزمان می‌باشند».^۳

نخستین حکومت الهی در گیتی توسط حضرت یوسف در مصر بنیان نهاده شد. دومین حکومت الهی از آن حضرت طالوت بر اسرائیلیان بود. پس از او حضرت داود - که از سردارانش بود - زمامدار گردید، و بعد از آن پسرش حضرت سلیمان به این منصب رسید.

فرمانروایی امیرالمؤمنین علی علیه السلام نمونه‌ای دیگر از حکومت عدل الهی بود. در این حکومت‌ها عدالت از جانب حکومت بر ملت اعمال می‌شد، ولی

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۳: «الْمُسْتَضَعْفُونَ فِي الْأَرْضِ، الْمَذْكُورُونَ فِي الْكِتَابِ الَّذِينَ يَجْعَلُهُمُ اللَّهُ أَيْمَةً، نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ، يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ فَيُعِزُّهُمْ وَ يُوْذِلُّ عَدُوَّهُمْ».

۲. سوره انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵.

۳. بحار الانوار، ج ۹، ص ۱۲۶ و ج ۱۴، ص ۳۳: «هُمْ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ - عَلَيْهِ السَّلَام - فِي آخِرِ الزَّمَانِ».

عدل ملت بر حکومت، و عدل ملت بر ملت وجود نداشت؛ و همین امر موجب ناپایداری آن گردید.

پس از حکومت حضرت علی علیه السلام، جهان هیچ حکومت الهی دیگری به خود ندید. بی عدالتی، خشونت، بربریت، ظلم و ستم - با عناوین گوناگون - در سراسر عالم بیداد کرده و می‌کند، و جامعه انسانی برای نیل به مرحله کامل تربیت، سعادت، عدالت و امنیت اجتماعی، در انتظار نظام عادلانه حضرت بقیة الله الأعظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - لحظه شماری می‌نماید.

... تا او بیاید و با مدد الهی بساط ظلم‌ها و بدعتها را از زمین برچیند و بانگ دین حنیف نبوی را در سراسر عالم طنین افکند، و با استقرار حکومت واحد الهی، جهان را سرشار از عدل و داد فرماید. در آن زمان، بزرگترین و برترین و آخرین تمدن واقعی و پرشکوه الهی طبق قرآن کریم و سنت اصیل نبوی برقرار گردد و تمام ابعاد زندگی بشری به بهترین صورت ممکن اصلاح و اداره شود.

بگذرد این روزگار تلخ‌تر از زهر بار دگر روزگار چون شکر آید^۱

و آن زمانی می‌باشد که افراد به آن مرحله از رشد و کمال برسند که با حکومت الهی او، و با یکدیگر به عدالت رفتار نمایند، و از کردار و گفتاری نیکو و مهدی‌پسند برخوردار گردند؛ تقوای پیشه و حق‌یاور و باطل‌ستیز باشند و با ظلم و ستم در هر ماسک و عنوانی، به مقدار امکان مبارزه نمایند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«کسی که دوست دارد از یاران قائم علیهم السلام محسوب شود، باید آماده باشد و در آن حال به پارسایی و اخلاق پسندیده عمل نماید؛ و اگر پس از مردن وی قیام قائم علیهم السلام فرا رسیده، اجر و پاداش او مانند همان کسی می باشد که حضرتش را درک نماید»^۱.

سخن بسیار است و مجال اندک، و این اوراق معدود، نمی ازیمی بی کران، که بسان پای ملخی تقدیم سلیمان زمان می گردد؛ امید آنکه با لطف و کرمش فراهم کنندگان و خوانندگان و عموم مؤمنان را از منتظران واقعی خویش قرار دهد، و با تعجیل در ظهورش به بیداد بیدادگران مهر پایان زند و پرچم حق و حقیقت را در گیتی به اهتزاز درآورد، به امید آن روز که آن خورشید درخشان از پس ابرهای غمبار زمان رخ نشان دهد و جهان تیره و تار را روشن سازد.



«پرورداگارا: به درگاهت شکوه می کنیم از فقدان پیامبران و پنهان بودن امامان و زیادی دشمنانمان و اندک بودن نفراتمان و از فشار سختی ها و فتنه ها و غلبه اهل زمان بر زیانمان.

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۰۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۴: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ - عَلَيْهِ السَّلَام - فَلْيَتَنَبَّأْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَابِسِ الْأَخْلَاقِ، وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ، فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ - عَلَيْهِ السَّلَام - بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ».

بار الها: به روان پاک محمد و دودمانش درود فرست، و ما را در همه امور یاری فرما با گشایشی سریع و زدودن ناراحتی، و کمکی که با عزت توأم نمایی و با حکومت حقی که آشکارش فرمایی».

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُوكَ إِلَيْنَا فَقَدْ تَبَيَّنَا - صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بَيْنَنَا وَتَظَاهَرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَبِضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطَانٍ حَقٌّ تُظَهِّرُهُ»^۱

قم. محمد رضا الحاج شریفی الخوانساری

مقدمه مترجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الواحد المنان، الذي خلق الانسان، و علمه البيان،
و وضع الميزان ؛ و الصلوة الابد، و السلام السرمذ على من بعث
الى الخلائق بالقرآن، و على آله الاطهرين هم أمناء الرحمن.

* * *

«و نُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ
أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ».

«و ما اراده کرده ایم بر آنان که در روی زمین به ضعف و
زبونی کشیده شده اند، منت نهاده، آنها را پیشوایان و
وارثان زمین قرار دهیم».^۱

در عصر ترفندها و تزویرها، تحمیقها و به بندگی کشیدنها
توسط اربابان ستم و زور، چه باید کرد؟

به مکاتب و ایسم‌ها رفتیم و پرواضح، ناتوانی این مکتب‌ها را مشاهده نمودیم؛ نه تنها بار از دوش ما برداشته نشد، بلکه بار گران و سنگینی بر دوش ما نهادند.

من نمی‌دانم که انسان با عقل ناقص خود در برابر پروردگار چگونه در صدد تغییر و تبدیل حوادث و رویدادهایی که یارای تأثیر گذاشتن بر آنها را ندارد، بر آمده است؟!.

زمانی که تمام راهها و تلاشهای بشریت سرگردان برای کسب سعادت به بن بست می‌رسد، جز پناه بردن به مقوله‌های الهی و مذهبی، چاره دیگری وجود ندارد.

آیه‌ای که طلیعه سخن آمد نمونه‌ای گویا از نویدهای کتاب جاوید خداوندی درباره حضرت مهدی «عج» است، و این راهکار مؤثر پیشنهادی اسلام، برای نیل به کمال است.

صرف نظر از ایمان که پایه این ایده و عقیده را تشکیل می‌دهد، هر فردی که به سرنوشت بشریت بیندیشد و خواهان تکامل و ترقی جهان انسانیت باشد و ببیند که چگونه با وجود این همه ترقیات فکری و علمی و پیشرفت روز افزون تکنیک و صنعت، نه تنها اخلاق و معنویت پیشرفت نکرده است، بلکه با سرعت تکان دهنده و اندوهباری عقب گرد نموده، به سوی سقوط و نابودی می‌گراید و ترقیات ماشینی بر فساد و انحطاط معنوی آنها می‌افزاید...

با اندک تأملی طبق فطرت ذاتی خود متوجه درگاه حضرت

أحدیت خواهد شد و برای رفع این جنایتها و خیانتها یاری می‌طلبد.

از این رهگذر، آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی همواره در دل خداپرستان وجود داشته است و تمام سفیران الهی نویدهایی پیرامون وی ابراز نموده‌اند.

مسئله مهدویت و نوید ظهور مصلح غیبی در پایان زمان، در اسلام به مثابه ایده‌تئولوژی^۱ این مکتب است، و ما باید زمینه ساز این حرکت باشیم.

پذیرش این مقوله و آماده ساختن خویشتن جهت پیاده نمودن آن، گامی در راه دگرگونی اوضاع است.

تصدیق این مقوله از اهم مسائل اصولی شریعت محمدی می‌باشد. مسئله مهدویت یکی از ضروریات دین مقدس اسلام است که منکران آن از آیین اسلام برون خواهند بود.

و این مضمون حدیثی است که علماء اهل سنت نیز از پیامبر مکرم اسلام - صلی الله علیه و آله - روایت کرده‌اند:
«من کذب بالمهدی فقد کفر».

«هر کس مهدی را انکار کند تحقیقاً کافر است».^۲

بنابراین در این امر هرگز نباید شک و تردید به دل راه داد، چرا که این امر اظهر من الشمس است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۱. Ideology

۲. عقد الدرر، یوسف بن یحیی المقدسی الشافعی (از علماء قرن هفتم)، ص ۱۵۷.

«... انّ امرنا ابین من هذه الشمس!».

«امر ما از این خورشید فروزان، روشتر است».^۱

آری! خورشید فروزان و مهر تابان، دیگر نیازی به راهنما ندارد، هنگامی که طلوع می‌کند، خود دشت و دمن را روشن می‌نماید و چشم‌ها را به سوی خود خیره می‌سازد.

در زمان انتظار چه باید کرد؟

آیا دست روی دست بگذاریم و بگوییم ما منتظریم؟!.

مُنْتَظِرِ نشانه‌هایی دارد که مُنْتَظَرِ آنها را می‌پسندد. کسی که در انتظار بسر می‌برد و می‌خواهد در عصر حضرت حجت علیه السلام به او اقتدا و تأسی کند، باید در عصر غیبت نیز به او تأسی جوید. مثلاً یکی از نشانه‌های آن حضرت خشوع و خداترسی است. آیا ما چنین هستیم؟
امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«المهدی خاشع لله كخشوع الزّجاجة».

«مهدی در برابر پروردگارش چون شیشه خاشع است».^۲

شاید تشبیه به شیشه از جهت تسلیم و عدم مقاومت آن حضرت در برابر پروردگار باشد، و این کمال خشوع را می‌رساند. باری، باید دید که آرمان‌های آن حضرت چیست؟، طالب عدالت اجتماعی و برپایی قسط می‌باشد؟، ما نیز باید زمینه ساز چنین آرمان‌هایی باشیم. باید خویشتن را مهتّا و آماده‌سازیم و اگر ریشه‌های

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۰۵. بشارة الاسلام، ص ۸۸. منتخب الاثر، ص ۴۳۹.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۵۸. الامام المهدی، ص ۹۷.

فساد و طغیان را در خود می‌یابیم، ابتدا باید خویشتن را اصلاح کنیم؛ و آنگاه در حدّ توان به مقابله و ستیز با ستمگران برخیزیم. امید است خداوند ما را از منتظران واقعی او قرار دهد، تا بلکه حضرتش گوشهٔ چشمی به ما فرماید.

از اطاله کلام می‌پرهیزم و به اصل کتاب می‌پردازم. حقیر پس از مطالعهٔ دقیق کتاب حاضر دریافتم که موضوع آن جالب است و قابل تأمل، و آن پیرامون «تمدن در عصر حضرت حجّت (عج)». و از آن جا که می‌خواستم در نهضت امام عصر علیه السلام سهیم بوده و به فرمودهٔ امام صادق علیه السلام به یار خود «مفضل بن عمر» عمل نموده باشم، که می‌فرماید:

«ای مفضل! اخبار مهدی را به شیعیان ما بازگویی تا در دین خود به شک و تردید نیفتند.»^۱

دست به ترجمهٔ این کتاب و استخراج منابع آیات و روایات آن زدم که امید می‌رود مورد عنایت و رضایت حق تعالی و آن بزرگوار، و پسند شما عزیزان خواننده، قرار گیرد. انشاءالله.

«اللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحَجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَىٰ آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلاً وَ عِيْنَا حَتَّىٰ تَسْكُنَ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تَمَتَّعَ فِيهَا طَوِيلًا.»

قم - لطیف راشدی

وجدان جهانی در جستجوی

حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف -

انسان در این عصر، بیشترین توجه و پذیرش را نسبت به حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به عنوان مصلح جهان پیدا کرده است، که زمین را از جور و ستم و فساد تطهیر می نماید. علیرغم اینکه روند مذهبی به صورت عمومی، افکار برخی از مردم را به سوی این مهم رهنمون می شود؛ اما متأسفانه کمتر از گذشته تأثیر پیدا کرده است.

جو آزاد حاکم بر مردم در این عصر، فرصتی است گرانبها، زیرا به تمام مردم این امکان را داده تا درباره عقائد سابق خود جهت دستیابی به معارف حقیقی و ناب، و به دور از اساطیر و افسانه‌ها، تجدید نظر نمایند.

در جو جدید، به یمن زوال تعصب و تحجر مذهبی و برخورد ایده‌ها و اندیشه‌ها، به نظر ضروری می رسد که عقیده مهدویت را برای بار دوم، نه تنها به صورت یک اندیشه مذهبی و دینی، بلکه به مثابه یک مقوله ضروری که روزی، تحقق پیدا می کند، بپذیریم.

و چه بزرگ و نابخشودنی است گناه برخی از نویسندگان متعصب که نسبت به حقیقت و مردم، مرتکب شدند، هنگامی که اصل مهدویت را به عنوان اندیشه‌ای اساطیری و افسانه‌ای به عنوان عقیده غیر دینی مطرح کرده‌اند! حال آنکه تمام مسلک‌های دینی و کلیه مردم دیندار جهان بدان ایمان دارند، محققاً مهدویت در ضمیر وجودی و عقل درونی مردم جهان، وجود دارد، به نحوی که کسی نیست مگر آنکه عقل و ضمیر خود با او سخن از این عقیده نموده باشد. و برخی تلاش می‌نمایند تا آن را چنین وانمود کنند که این فقط عقیده و آرمان شیعه و یا برخی از مسلک‌های سنی می‌باشد.

انسان در این عصر به اوج افسردگی و درد رسیده‌است؛ و در این وضع مآل‌آمال از فساد و سرشار از جنگ و دشواری و بحران و جنایات، و هر چیزی که نام رذیله و پستی دارد، قادر به ادامه زندگی نیست! پس همگان در انتظار مردی نجات دهنده هستند که توازن به هم خورده جهان را باز گرداند و مردم را از این همه فلاکت و بدبختی برهاند.

وجدان بشری از این همه سازمان‌های فاسدی که برای انسانیت، به جای اینکه سعادت و آسایش فراهم نماید، چیزی جز شقاوت و ملالت ندارد، بسیار خسته است!

و این حالت موجب شد که این وجدان خسته، آماده پذیرش و رو آوردن عقیده مهدویت بشود. انسان در این عصر احساس می‌نماید که ظهور مردی مصلح و قائم به اصلاح تمام جهان، همانند ضرورتی در

هستی می‌باشد که عدالت بالغه خداوندی، آن را واجب می‌گرداند. بنابراین عقلایی نیست که این جهان تا ابد بدین صورت باقی بماند. تحقیقاً به دور از عدالت و رحمت فراخ و گسترده خداوندی است که این جهان بدون مصلح باقی بماند.

امروز، افسردگی و اضطراب و خستگی انسان از این اوضاع حاکم بر جهان، به درجه‌ای رسیده است که جستجو درباره نظریه‌ها و یا اندیشه‌هایی نو و جدید که برای او چگونگی دگرگونی این اوضاع فاسد را بیان کند، آغاز نموده است. لکن مسئله‌ای که باعث افزایش افسردگی و خشم انسان‌ها می‌گردد، این است که هر گاه به ایده و یا اندیشه‌ای متوسل می‌شوند، در می‌یابند به جای اینکه دشواری و بلاها را بکاهد، بر عکس مشکلات را می‌افزاید!

به عنوان مثال، انسان پس از بیزاری و گریز از نظام سرمایه‌داری، (کاپیتالیسمی^۱) که از دین و اخلاق تهی است، شروع به گرایش به اردوگاه سوسیالیسم^۲ نمود، و متوجه شد آن به مراتب بدتر از سرمایه‌داری می‌باشد. در اینجا دشواری و مشکلات، افزون گشت و نیاز بشریت به نظامی جدید که کاملاً با ساختار و شکل سازمان‌ها و مکاتب کنونی حاکم بر جهان، تفاوت داشته باشد، نمایان‌تر شد.

تمام این مکتب‌ها، چیزی جز سیه روزی و بدبختی به ارمغان نیاورده‌اند و باید نظامی عدالت‌گستر و عدالت‌پیشه، پدید آید که

۱. capitalisme

۲. socialisme

بشریت را زیر سایه آسایش و امنیت و سلامت، رهنمون سازد. بنابراین سخن راندن پیرامون حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- به عنوان مصلح جهان و همچنین درباره «مهدویت» به عنوان یک عقیده جهانی، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. و در این جا ضرورتی برای انسان بیشتر از رفع نیازها و مرهم‌گذاری بر زخم او، و فراهم نمودن اطمینان روحی پس از اضطراب و سرگردانی طولانی، برای وی وجود ندارد!

انسان در این جهان، حقیقتی را دریافته است و آن حقیقت عبارت از این است که:

این جهان به طور جدی در منجلاب فساد به سر می‌برد، و تمام مکاتب اجتماعی کنونی به بن بست رسیده‌اند.

این تنها چیزی است که جهان پس از مدتی طولانی، با دست و پا زدن در مکتب‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی به آن رسیده‌است! اما راه نجات و رهایی از این وضع بحرانی و سراسرناهنجار چیست؟ و چه نظام صالحی می‌تواند برای بشریت اسباب سعادت و رستگاری را فراهم نماید؟.

این همان پرسشی است که ذهن انسان را در این عصر مشغول نموده و عقیده مهدویت به آن پاسخ مثبت، می‌دهد.

در این جزوه تلاش خواهیم نمود تا پرتوی از این عقیده را ترسیم کنیم، به این جهت که از مهمترین قضایایی می‌باشد که ذهن انسان امروز، افزونتر از هر روزی به او مشغول شده‌است.

چرا به حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ایمان آوریم؟

این پرسش را باید برای خود مطرح سازیم که: چرا باید به حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ایمان بیاوریم؟ آیا ضرورتی وجود دارد که ما را بر اعتقاد به این عقیده، وا دارد؟.

بدون شک ایمان به آن حضرت ارتباط محکم و ناگسستنی با ایمان به خداوند، دارد و این دو قضیه به یکدیگر پیوسته‌اند.

بنابراین، در اینجا چهار انگیزه و سبب اصولی وجود دارد که ایمان ژرف و قوی به این عقیده را بر ما واجب می‌گرداند. این انگیزه‌ها عبارتند از:

۱ - پرواضح است که رحمت خداوندی، بسیار گسترده و فراخ است، و تحقیقاً رحمت الهی، تنها انگیزه آفرینش انسان و بعثت انبیاء و فرود آمدن کتاب‌های آسمانی، می‌باشد. و اگر این رحمت نبود لزومی بر آفرینش انسان و فراهم آوردن ابزار رفاه و سعادت برای او در این دنیا نمی‌بود.

بنابراین: بر اساس ایمان و رحمت الهی است که این پرسش را

مطرح می‌نماییم:

آیا رحمت گسترده الهی شامل عصر و دورانی ویژه و نسلی مخصوص می‌باشد، یا که شامل عموم و همه پدیده‌ها؟

بدون شک عقل انسان حکم می‌کند که رحمت الهی شامل عموم است. پس در اینجا هیچ‌گونه نزدیکی و خویشاوندی میان خدا و بندگان خود وجود ندارد، تا که نزدیکان شامل رحمت او گردند و دیگران از رحمت الهی محروم باشند. پس همه مخلوقات عیال الله هستند و رحمت الهی شامل عموم است.

اکنون سؤال می‌کنیم: آیا وجود حجت خدا بر زمین از مصادیق رحمت الهی است یا خیر؟
جواب می‌شنویم: البته.

برای بار دوم می‌پرسیم: آیا این رحمت شامل مردم قرنهای گذشته، شده است؟

جواب: البته، خداوند می‌فرماید:

«وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^۱.

«و هر قومی را از طرف خدا راهنمایی است».

برای بار سوم می‌پرسیم: آیا این رحمت شامل انسان این عصر می‌شود یا خیر؟

پاسخ می‌شنویم: چنانکه اذعان داریم که رحمت الهی عام و

شامل همه است، و وجود حجّت خدا بر روی زمین رحمتی الهی می باشد، پس ناچار باید بگوییم: این رحمت هم اکنون نیز وجود دارد. و حجّت الهی نیز هم اکنون موجود است. و او به عنوان پرتویی از رحمت فراخ و گسترده خداوندی برای انسان می باشد.

این همان منطقی است که بر ما، اعتقاد و ایمان به حضرت مهدی علیه السلام را به عنوان حجّت الله، واجب می گرداند که هم اکنون هم وجود دارد، و به عنوان رحمت خداوند از برای انسان در این عصر است، همانگونه که عصرهای گذشته وجود داشته است.

احادیث وارده از رسول الله صلی الله علیه و آله پیرامون داستان این رحمت واصله (حجّت الله) از زمانی که خدا حضرت آدم علیه السلام را آفرید و تا لحظه کنونی قطع نشده است، روایات این گونه گزارش می دهد.

«لقد خلق الله آدم و حواء، و جعل آدم رسولاً و أمر حواء باتباعه، ولما انقطعت نبوة آدم و انقطع اكله، اوحى الله عزوجلّ اليه: يا آدم قد انقطعت نبوتك، وانقطع اكلك، فانظر الى ما عندك من العلم و الايمان فاجعله في العقب من ذريتك و سلّم آدم مخاتيم النبوة الى ولده، ثمّ عند ما اقترب موت ابنه سلّم مخاتيم النبوة الى شخص آخر مثله...».

«همانا خداوند، حضرت آدم و حواء را آفرید، و آدم را فرستاده خویش قرار داد، و فرمان داد تا همسر او حواء از حضرت آدم متابعت نماید، و هنگامی که نبوت حضرت

آدم و روزی او قطع شد (اشاره به پایان عمر او)، خداوند عزوجل به او وحی فرمود: ای آدم! بی گمان نبوت و روزی تو قطع گردیده، پس بنگر به علم و ایمانی که نزد تو وجود دارد، پس آن را در ذریه خود قرار بده، آدم انگشترهای نبوت را به فرزندش واگذار نمود. سپس هنگامی که مرگ فرزندش فرا رسید، مختام نبوت را به شخص دیگری که همانند او پیامبر بود واگذار کرد...».

و بدین سان است که رابطه زمین با آسمان ادامه پیدا نمود، و در هر عصر و زمانی، شخصی به عنوان «حجت الله» بر زمین باقی ماند. رحمت الهی، انسان را از بدو آفرینش تا کنون بدون هدایت رها ننموده است و به عنوان و انگیزه ایمان ما به وجود شخصی که نمایندگی خدا را بر زمین بر عهده دارد، می باشد.

همان سان که روابط میان دو کشور قطع نمی گردد، حتی اگر روابط دیپلماتیک آنها قطع و سفارتخانه ها تعطیل شود، اما هرگز روابط آنان قطع نخواهد شد. رابطه زمین با آسمان نیز قطع نمی گردد، حتی در صورت نبودن رسول بر روی زمین. باید فردی باشد که کار رسول را به طور دائم انجام دهد، چه اینکه خود رسول باشد، یا وصی خاص او؛ و این همان چیزی است که آن را «حجت الله» می نامیم.

پرسشی که در اذهان ما مطرح می گردد عبارت است از اینکه: آیا

استمرار این ارتباط میان آسمان و زمین امری ضروری است یا خیر؟
و به عبارت دیگر: آیا وجود حجّتی بر روی زمین (که همانا
نمایندگی خدا را بر زمین به عهده دارد) نوعی از رحمت الهی برای
انسان است؟

جواب: قطعاً بله، پس بی‌گمان خداوند سبحان هرگز مردم را
عبث و بیهوده نیافریده است. و آنها را بدون هدایت رها
نمی‌فرماید، بلکه برای آنان راه هدایت را مشخص و روشن نموده
است و در هر زمان و مکان راهبری قرار داده که مردم از او پیروی و
متابعت نمایند!

بلکه وجود نمایندگی خداوند بر روی زمین (حجّت الله) همانا
رمز استمرار رحمت و قدرت الهی بر انسان‌ها و زمین می‌باشد. پس
چنانکه این نمایندگی الهی بر زمین نباشد این به معنی: انقطاع
رحمت از زمین است، و انقطاع رحمت الهی برای یک لحظه،
مساوی با نابودی کلّ جهان است.

پس بدیهی است که انسان جز با قدرت و توان خداوندی،
نمی‌تواند زندگی کند.

«و الْأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ»^۱.

«تمام زمین در قبضه قدرت او است».

«و السَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ»^۲.

«و آسمانها پیچیده در دست او می باشد».

بنابراین چنانکه این قدرت و توانایی از انسان قطع گردد، برابر است به اینکه انسان به عدم محض تبدیل می شود.

لذا تا زمانی که حجت خداوند بر روی زمین وجود داشته باشد، کلیه انسان ها و زمین به سلامت و در کمال امنیت هستند. اما اگر زمین برای یک لحظه از وجود حجت خالی باشد، صورت مسئله همان خواهد شد که احادیث متواتر درباره آن آمده است.

«لو خَلَّتْ الارض من الحجّة لساخت بأهلها»^۱.

«اگر زمین خالی از حجت بماند، ساکنانش را در کام خود

فرو می برد».

اما سؤالی که خود را در اینجا مطرح می سازد این است که:

در حال حاضر، «حجت خدا» بر روی زمین چه کسی است:

جواب: پس از وجود مقدس رسول الله صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین

حضرت علی، نمایندگی خدا بر روی زمین را به عهده داشت. پس

۱. شبیه همین عبارت از امام باقر علیه السلام وارد شده است:

«لو بقیت الارض بغير امام لساخت بأهلها! وان الله تبارک و تعالی جعلنا حجّة فی ارضه و اماناً

فی الارض لأهل الارض».

«اگر زمین خالی از امام بماند، ساکنانش را در کام خود فرو می برد. خدای تبارک و تعالی ما

را حجت خود در روی زمین قرار داده، و ما را وسیله امان مردم روی زمین گردانیده است».

الزام الناصب، ص ۴ و ۲۴۵. غیب نعمانی، ص ۶۹. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۱۴۸.

عیون الاخبار، ج ۱، ص ۲۱۲. غیب شیخ طوسی، ص ۱۳۲. اصول کافی، ج ۱،

ص ۷۹.

چرا به حضرت مهدی علیه السلام ایمان آوریم؟ ۲۷ / ۹

از آن وجود نازنین، امام حسن مجتبی علیه السلام پس از آن امام حسین علیه السلام و سپس نه فرزند امام حسین علیه السلام که آخرین آنان وجود مقدس و نازنین حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بود این نمایندگی را به عهده داشتند.

هم اکنون که تاریخ ۱۴۲۲ هجری قمری می باشد عمر مبارک امام زمان علیه السلام ۱۲۶۶ سال است که مقام حجّت باقی خداوند بر روی زمین را داراست.

بنابراین نخستین انگیزه‌ای که ما را به ایمان به آن حضرت سوق می دهد عبارت است از:

حکم عقل به ضرورت عمومی رحمت الهی که برای هر عصر و زمان است، و وجود نماینده خدای عزوجل، آن است که بزرگترین مظهر رحمت الهی برای انسان می باشد.

بنابراین: استمرار وجود نمایندگی خداوند (حجّت الهی)، استمرار رحمت الهی از برای انسان است.

۲ - انگیزه دوم ایمان به حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - آن است که: ایمان ما به رسالت رسول بزرگوار اسلام است. پس کسی که به رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله ایمان دارد، از ضروریات است که به مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ایمان آورد.

چگونه؟

همانا احادیث صحیح وارده در مسئله آن حضرت به نقل از

رسول اکرم صلی الله علیه و آله، از حدّ تواتر فراتر رفته. به عبارتی سندهای تاریخی برای وجود نصّ از رسول الله صلی الله علیه و آله پیرامون حضرتش مقوله‌ای تردیدناپذیر است و در آن شک و تردید راه ندارد. و کسانی که ایمان به او را ردّ می‌کنند (همانند برخی از اهل سنت) تحقیقاً به یکی از دو مقوله و حقیقت تردید و شک دارند:

یا اینکه به جمیع کتب معتبر حدیث که نزد خود دارند، و به کلیه علماء و دانشمندان خودشان که این احادیث را نقل کرده‌اند شک و تردید دارند، یا اینکه در صدق گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله شک و تردید به خود راه می‌دهند!

«۱۰۷» حدیث از پیامبر گرامی اسلام پیرامون حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - تنها از طریق رجال مذاهب اربعه آمده است. در حالی که احادیث وارده از طریق مذهب جعفری در این باره نیز بسیار زیاد و متواتر است.

بنابراین با این همه احادیث از رسول الله صلی الله علیه و آله چه باید کرد؟ آیا آنها را ردّ کنیم؟! و این به مثابه کفر ورزیدن به پیامبر اسلام می‌باشد؛ یا که به راویان و ناقلان این احادیث کفر ورزیم و آنها را ردّ نماییم؟ و این نیز ناصحیح و باطل است. پس چه باید کرد؟ ناچار باید به اینها ایمان آورد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله بر امامت حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و بر ظهور آن حضرت به شکلی تأکید فرموده‌اند که نظیر این تأکید جز

بر ایمان به خداوند و رسول مکرم اسلام تأکید نشده است. بنابراین موضع‌گیری ما پیرامون سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله چگونه باید باشد؟ آیا موضعی درست، غیر از ایمان به کلام و سخنان آن حضرت و تصدیق این سخنان هست؟

با کمال تأکید می‌گوییم خیر، پس ما به وجود خداوند سبحان ایمان می‌آوریم، و همچنین به رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، و بنابراین به وجود حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ایمان می‌آوریم، و می‌دانیم که در پایان این جهان ظهور خواهد نمود تا زمین را از شرک و کفر و فساد تطهیر و پاک سازد. حدیثی در این زمینه می‌فرماید:

«من شكّ في قيام قائمنا لقي الله و هو به كافر»^۱.

«هرکس در ظهور قائم ما تردید نماید در روز قیامت در حالی

که کافر به خداوند است، خدا را ملاقات خواهد نمود».

۳ - انگیزه سوّم ایمان به حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - همانا

حکم عقل به ضرورت وجود نظامی عادل است که بشریت در سایه آن به عدالت و خیر و آزادی متنعم گردند.

هر انسانی این مطلب را در ضمیر خود احساس می‌نماید.

ضمیر انسانی هرگز استمرار وضع فاسد و فرسوده حاکم بر

جهان را نمی‌پذیرد. احساس نیاز به عدالت و رحمت خداوند همان

۱. در حدیث دیگری رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

«هرکس مهدی را انکار کند تحقیقاً کافر است». عقد الدرر، ص ۱۵۷.

چیزی است که اعتقاد انسان را به دگرگونی قطعی اوضاع فاسد و ناهنجار موجود سوق می‌دهد، پس این رهبری جاهلانه که بر جهان حکومت می‌کند ناچار روزی متلاشی خواهد شد و رهبریت عدل و حکیمانه جانشین آن خواهد گردید که برای بشریت خیر، عدالت و آزادی به ارمغان خواهد آورد.

این همان نیازی است که هر انسانی در دورن خویش احساس می‌نماید، و از همین رهگذر انتظار آن روز با سعادت را می‌کشد که بر او سایه عدل به جای ظلم، خیر به جای شر، ایمان به جای شرک، و علم به جای جهل و گمراهی، گسترده گردد.

بنابراین: سه عامل و انگیزه‌ای که ما را به سوی ایمان به حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - سوق می‌دهند عبارتند از:

۱- ایمان به اینکه رحمت الهی، مردم شمول و زمان شمول و از آن همه مردم است. و همانا از مظاهر رحمت الهی وجود حجت خداوندی و نمایندگی او بر روی زمین می‌باشد.

۲- ایمان به رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله، است که ما را از حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - آگاه ساخت که آن حضرت همان حجت الهی است و در آخر زمان ظهور خواهد نمود، و بر این مسئله تأکید فراوانی نموده است.

۳- ایمان وجدانی به ضرورت دگرگونی اوضاع فاسد کنونی حاکم بر این جهان حکم می‌کند، و ضرورت وجود نجات دهنده‌ای که بشریت را از این اوضاع رهایی بخشد در ضمیر هر کسی نهفته است.

مهدی مُنتظر کیست؟

امام منتظر کیست؟

آیا او عیسی بن مریم است؟

آیا عزیر است؟

آیا مردی از بنی امیه است؟

آیا از بنی العباس است؟

و آیا از خاندان حضرت محمد رسول الله ﷺ است؟

هر طایفه و قومی دوست دارد که حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- از آنها باشد - و این یک امر بسیار طبیعی است. البته مسئله غیر طبیعی آن است که این حب قلبی به یک عقیده بسیار محکم و راسخ در آید - در حالی که این عقاید در واقع هوی و تمایلات به دوست بیش نیست.

آن حضرت به ناچار از خاندان حضرت محمد ﷺ باید باشد، و همچنین باید هم اکنون نیز وجود داشته باشد، چرا که وجود امام یعنی بودن حجت الهی، و وجود حجت الله به مثابه باقی ماندن

ارتباط میان زمین و آسمان است.

به درستی که این ارتباط هم اکنون نیز موجود است. بنابراین حجّت الله باید هم اکنون نیز وجود داشته باشد. اما حجّت الله کیست؟

بدیهی است که عیسی بن مریم، حجّت منتظر الهی نیست. چرا که به نظر مسیحیان او مرده است و به نظر مسلمین او بر روی زمین نیست. در هر حال حضرت عیسی علیه السلام صلاحیت احراز آن مقام را ندارد و قطعاً او مهدی منتظر نیست.

و اما در مورد بودن عزّیر به عنوان مهدی موعود، او نیز مرده است، و بدون تردید نمی تواند مقام حجّت الله را احراز و کسب نماید.

و اما مردی از بنی امیه؟! و یا از بنی العباس!؟

مسلم این است که انسان نمی تواند حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- را تعیین کند، بنابراین هر گونه وصفی برای شخصیت آن حضرت چنان که از سوی پروردگار جهانیان نباشد، کذب محض است. تنها خداوند سبحان است که می تواند به ما بگوید مهدی منتظر کیست، چرا که فقط اوست که حجّت خویش را برای بندگان خویش بر می گزیند. در دعا می خوانیم:

«اللهم عرفني حجّتك فانك ان لم تعرفني حجّتك ضللت عن

دینی».^۱

«پروردگارا! حجت خودت را به من آشنا گردان. چنانکه
به من حجت خودت را شناسانی از دین خودم گمراه
خواهم گشت».

طبیعی است که اگر خداوند متعال ما را از شناخت حجت
خودش محروم سازد، در دین خود دچار گمراهی و ضلالت خواهیم
شد. چرا که در چنین وضعیتی از سوی خودمان با انگیزه‌های
شخصی و با دخالت هوای نفس، حجت را بر خواهیم گزید.
در این صورت منحرف و در دره‌ای عمیق و بسیار ژرف سقوط
خواهیم نمود.

بنابراین هنگامی که خداوند حجت خود را به انسان‌ها معرفی
نمود، این انسان‌های شقی و نگون بخت هستند که با وجود این
توضیحات به دنبال اشخاص غیر لایق و ابله رفتند، و آنها را حجت
الله قلمداد نمودند!

«آیا دیدی کسی را که هوای نفس خویش را حجت خود برگزیده است».^۲

همه احادیث، شخصیت حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- را
معین کرده و این تعیین هویت بسیار دقیق است و برای شک و
تردید مجالی باقی نمی‌گذارد. و به نظر می‌رسد که این مسئله

۱. کافی: ج ۱، ص ۳۴۲. اکمال الدین: ج ۲، ص ۳۴۲.

۲. سوره جاثیه، آیه ۲۳: «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ».

چنان که باید غرور و شهوات انسانی را قانع نکرده است، پس به دنبال خلق مردان مجهول رفته. و از نزد خود، آنها را آفریده است و ادعا می‌کند که آنان حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- می‌باشند! تو گویی انسان می‌خواهد از خدا در انتخاب و برگزیدن حجت حق، پیشی گیرد!

«پاک و منزّه است خداوند متعال از آنچه که آنها توصیف می‌کنند».^۱

بنی‌العبّاس کوشش بسیار نمودند تا از مسئله حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- به سود و نفع انقلابی که آنها بر علیه بنی‌امیه، انجام داده بودند، سوء استفاده نمایند. آنان مجموعه‌ای از احادیثی را جعل نموده‌اند که بسان خانه عنکبوت می‌باشد، تا اینکه دست تحقیق این خانه و اجزایش را ویران و منهدم نمود و بازیچه آنان بر ملا شد و همگی رسوا شدند.

«پس همانا لعنت خدا، آنها را تا روز قیامت در بر گرفت».^۲

همچنین قبل از بنی‌العبّاس، بنی‌امیه و پس از اینها مردم دیگری چنین ادعایی نمودند. همگی آنان خواستار این بودند تا نبوغ و افکار دروغین خود را در برابر خداوند علم کنند، یا که خواستار این بودند تا شقاوت و سیه‌روزی خود را به اثبات برسانند.

۱. سوره انعام، آیه ۱۰۰: «سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ».

۲. سوره هود، آیه ۹۹: «وَ اتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

اما احادیث صحیح چه می‌گویند؟

کلیه احادیث به رقم ۱۲ اشاره دارد، آن رقمی که از امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام آغاز و به جانشین امام حسن عسکری علیه السلام پایان می‌یابد. اوصافی که تورات و انجیل آنها را مشخص می‌کند برهان دیگری بر این مسئله است که به عدد دوازده اشاره دارد. این همان خصوصیات و ویژگیهایی است که باعث شد یهودیان و مسیحیان رسالت و نبوت رسول خدا حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله را انکار نمایند، به بهانه اینکه این ویژگیها و نشانه‌ها براو تطبیق نمی‌کند.

اما آنان خطا و اشتباه کردند. چرا که این خصوصیات از برای حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- می‌باشد و نه جهت شناخت رسول اکرم -صلی الله علیه و آله و سلم-.

نشانه‌های آن حضرت چیست؟

احادیث صحیح و متواتر، این ویژگیها را به ترتیب و به شکل زیر

برای ما بیان می‌دارد:

نام: محمد.

نام پدر: حسن عسکری.

نام مادر: نرجس.

کنیه: ابوالقاسم - ابو جعفر.

لقب: الحجة - مهدی - صاحب‌زمان - قائم - منتظر - خلف صالح.

صفات ویژه: سفید پوست - قد متوسط - خال در گونه راست صورت -

دیدگانش فرو رفته - ابروهایش به طرف صورتش فروهشته^۱ - به نظر می‌رسد که عمر دائم آن حضرت چهل سال است. برخی از احادیث می‌گویند که آن حضرت بیشتر اوقات در مدینه و حجاز اقامت دارند.

۱. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«مشرف الحاجبین، غائر العینین من سهر اللیالی، بوجهه اثر».

ابروهایش به طرف صورتش فروهشته، دیدگانش از شب زنده‌داری فرو رفته، بر گونه‌اش نشانی

(خالی) هست. الزام الناصب، ص ۱۳۸.

میلاذ حضرت مهدی «عج»

داستان تولد حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نظیر سایر امور و مسائل آن حضرت خالی از معجزه نیست.

از این امور نباید تعجب کرد و شگفت زده شد، - البته که برخی از امور اولیاء الله شامل معجزه است - علیرغم اینکه معجزه یک امر شگفت آور و عجیبی می باشد، اما برای انسانها یک امر تازه و شگفتی نمی باشد، و انسان از طریق معجزه توانسته است تا بسیاری از حقایق را بشناسد، چرا که معجزات همواره کارنامه قبولی دعوت انبیاء می باشد.^۱

و اینک با نگاهی گذرا، تصویری از داستان میلاد مسعود آن حضرت را به نمایش می گذاریم، که آن را از حدیثی ویژه از حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه السلام برگرفته ایم:

۱. برای خداوندی که خالق قوانین و هستی می باشد بسیار ساده است که این قوانین را جهت حکمتی خاص و برای بنده ای از بندگان خود، تعطیل کند.

(۱)

زمان: سال ۲۵۵ هجری، ۱۵ شعبان، شب جمعه، لحظاتی چند قبل از طلوع فجر.

مکان: سامراء؛ منزل امام حسن عسکری علیه السلام.

اشخاص موجود در اتاق تولد: نرجس همسر امام حسن عسکری علیه السلام

و حکیمه خاتون، عمه امام حسن عسکری علیه السلام.

اشخاص موجود در حیاط: امام حسن عسکری علیه السلام و جمعیت منتظر

مولود مسعود.

(۲)

در حالی که آثار بارداری در نرجس همسر محترمه امام حسن

عسکری علیه السلام دیده نمی شود، امام عسکری علیه السلام فرمود:

«مولود مسعود، امشب قدم به این جهان خواهد نهاد.»

ولی ساعتی چند از طلوع فجر باقی نمانده است، بنابراین شاید

این مولود شریف قدم به این جهان نخواهد گذاشت. اما کسی چه

می داند؟

و این موضوع باعث گردید که حکیمه خاتون به شک و تردید

افتد، ولی هنوز رشته افکار او از هم گسسته نشده بود که امام از

درون منزل با صدای بلند فرمود:

«عمّه جان! تعجیل نکن، چرا که این امر به زودی اتفاق خواهد افتاد».

عمّه امام به سخنان آن حضرت گوش فرا داد و تسلیم این گفتار شد، و دانست که این امر معجزه است و شاید حکمت در این باشد، زیرا که مزدوران اطلاعاتی حکومت عباسی به شدت در جستجوی هر زن حامله و هر نوزادی بودند. و بدیهی است چنان که از این امر آگاهی پیدا می‌کردند، اقدام به قتل نرجس و یا قتل نوزاد شیرخواره او، می‌نمودند.

«اما خداوند نمی‌پذیرد جز اینکه نور خود را به کمال و تمام برساند گرچه مشرکین نخواهند و اکراه داشته باشند».^۱

(۳)

«مولود با برکت همین امشب خواهد آمد...».

این گفتاری بود که امام حسن عسکری علیه السلام به عمّه خود حکیمه خاتون در شبانگاه نیمه شعبان فرمود، و حکیمه خاتون، آن شب را در خانه امام در انتظار وقوع حادثه عظیم، به سر برد.

ساعاتی چند قبل از طلوع فجر، حکیمه خاتون نماز شب را اقامه نمود. پس از اتمام نماز به سوی حیاط خانه قدم گذارد و سرگرم تماشای آسمان و ستاره‌ها شد. او مشاهده نمود که فجر صادق به زودی نمایان خواهد شد، در حالی که به نظر نمی‌رسد که

۱. سوره توبه، آیه ۳۲: «وَ يَأْتِي اللَّهُ إِلَا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ».

امشب حادثه‌ای رخ خواهد داد، و نرجس کماکان در خواب عمیقی به سر می‌برد، و هیچ نشانه‌ای از بارداری در او مشاهده نمی‌شد. حکیمه خاتون، شروع به تلاوت قرآن و دو سوره «سجده» و «یس» نمود، تا اینکه فجر صادق طلوع کند و مسئله تماماً به پایان رسد.

در همین اثناء بود که نرجس دلهره و اضطرابی در خود احساس نمود. حکیمه خاتون متوجه شد و به نرجس گفت:

«پناه بر خدا، چیزی احساس می‌کنی؟».

نرجس: آری، عمّه جان!

- بر اعصاب خود مسلط باش، که وعده خدا نزدیک است.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

بنابر این امر به زودی تحقق خواهد یافت.

پس از مدت کوتاهی انتظار، خواب آلودگی خفیفی بر نرجس و حکیمه خاتون چیره شد. در همین حال بود که اتفاقی افتاد، که به گفته حکیمه خاتون: چیزی متوجه نشدم مگر هنگامی که نوزاد با هفت موضع سجود در حالت سجده بر روی زمین اتاق قرار داشت!!.

این معجزه است.

حکیمه خاتون سپس متوجه شد که نوزاد پاکیزه بوده و از نظافت برخوردار است. این معجزه دوم.

همچنين ختنه شده است. اين معجزهٔ سوّم.

آنگاه امام عسکری عليه السلام ندا داد:

«فرزندم را به من بدهيد، فرزندم را به من بدهيد».

حكيمه خاتون نوزاد مسعود را به پدرش داد.

(٤)

امام نوزاد را با دو دست خود گرفت و زبان خود را در كام او قرار

داد. و دستش را بر چشم و اعضاء و جوارح نوزاد كشيد، سپس آن

حضرت به فرزند خود فرمود:

پسرم سخن بگو!

نوزاد شروع به سخن گفتن نمود و فرمود:

«أشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له، و أشهد أن محمداً

رسول الله»^١.

سپس نام تمام ائمه را بر زبان آورد و بر آنان يكي پس از ديگري

درود فرستاد تا اينكه نام پدر خود را بر زبان آورد و سپس ساكت شد!!.

نظير اين اتفاقات شگفت‌انگيز براي ساير ائمه معصومين عليهم السلام رخ

داده بود، و در واقع براي ما مردم عادي شگفت‌انگيز است و مسائلي

١. بحار الانوار، ج ٥١، ص ٢ و ص ١٢-١٤. غيبت شيخ طوسي، ص ١٤١.

اعلام الوري، ص ٣٩٤. ينابيع الموده، ج ٣، ص ١١٣. كشف الغمه، ج ٣، ص ٢٨٧.

منتخب الاثر، ص ٣٢٣. المحجة البيضاء، ج ٤، ص ٢٤٤. الامام المهدي، ص ١٢٣-١٢٥.

غیر قابل باور، اما اینها در عرف اولیاء اللہ، اموری طبیعی و قابل پذیرش می باشد.

﴿ ۵ ﴾

جناب حکیمه خاتون می گوید:

تنها یک روز پس از روز تولد، بر امام عسکری علیه السلام وارد شدم، اما نوزاد را نزد او نیافتم، به او عرض کردم:

کجا است سرور و آقای من؟

امام علیه السلام فرمود:

او را به خداوند سپردیم، همان سان که مادر موسی علیه السلام، موسی

را به خدایش سپرد! ما نیز او را به خدا تسلیم نمودیم.^۱

برخی از احادیث چنین می افزایند:

او به سوی آسمان صعود نمود، همان گونه که رسول اعظم

خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله، و حضرت عیسی علیه السلام و برخی از انبیاء سلف

دیگر، به آسمان صعود نموده اند.

و پس از یک هفته و یا قولی چهل روز مولود مسعود تازه به دنیا

تولد یافته، صحیح و سالم به خانه خود بازگشت.

۱. منتخب الاثر، ص ۳۷۴. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۹۰. غیبت شیخ طوسی، ص

﴿ ۶ ﴾

پس از یک غیبت بسیار کوتاه، برای بار دوم، پدرش او را فرا خواند، و همان اعمال گذشته در مورد او انجام داده شد، یعنی زبان خود را در کام او قرار داد؛ سپس به وی فرمود:
سخن بگو!

نوزاد برای بار دوم همان عبارات قبلی را تکرار فرمود و او این آیه را نیز به سخنان خود افزود:

«و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ
أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ
فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»^۱.

«اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین نعمت
بخشیم، و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار
دهیم * حکومتشان را پا برجا سازیم و به فرعون و هامان و
لشکریان آنها آنچه را بیم داشتند از این گروه نشان دهیم».

(۷)

مولود مسعود با سرعت شگفت انگیزی رشد و نمو کرد، و این امر باعث گردید تا همه، شگفت زده شوند، لکن این امر بسیار طبیعی بود، چرا که فرزندان اولیاء الله با سرعتی شگفت آور و غیر قابل توصیف رشد و نمو می نمایند. به عبارت دیگر، رشد آنان در یک ماه معادل یک سال رشد و نمو، می باشد.

و این بدون شک معجزه است، و تنها در خصوص کودکی حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نبوده است، بلکه در مورد سایر ائمه نیز این امر جاری بوده.

در ساعات نخستین، تنها سه شخص از تولد حضرتش با خبر می شوند که عبارت بودند از: امام حسن عسکری علیه السلام، نجس خاتون و حکیمه خاتون.

سپس این خبر از این حدّ تجاوز نمود و به گوش برخی از شیعیان مخلص و به مناطق دور دستی، دورتر از شهر «سامراء» یعنی شهر «قم» رسید. طبعاً این امر یک مسئله تصادفی و اتفاقی نبوده است بلکه پیامد تدبیرهایی از پیش تعیین شده از سوی امام عسکری علیه السلام می باشد.

تدابیر امام علیه السلام اقتضا می نمود که این خبر را از همه پنهان کند، مگر شیعیان بسیار مخلص.

در شهر «قم» اين خبر به صورت گسترده تر نسبت به اماکن ديگر منتشر گرديد، که شايد به اين دليل بود که اين منطقه، مجموعه بزرگي از دوستان و طرفداران امام را در خود جای داده بود. و شايد هم انتشار اين خبر در قم اثری بر پايخت دولت عباسی، ايجاد نمی کرد. و يا انگيزه ها و اسباب ديگری داشته که ما از آن بی اطلاع هستيم.

مهم آن است که امام حسن عسکری عليه السلام پيوسته با شيعيان از طريق نامه ها، ارتباط برقرار می فرمود، و نامه زیر همان نامه ای است که امام عليه السلام برای مردی از شيعيان خود به نام «اسحاق قمي» فرستاد که او را از ماجرای تولد فرزندش آگاه نمود:

«نوزاد متولد شد، پس نزد تو پنهان و از جمیع مردم مکتوم باشد، همانا ما به کسی اطلاع نداديم، جز نزديکان، جهت نزديکی آنان، و دوستان جهت دوستی آنان به ایشان، و اينک بر آن شدیم تو را با اطلاع سازيم تا همانگونه که خداوند ما را مسرور و شاد فرموده، تو را شاد و مسرور فرمايد.» امضاء: الحسن العسکری

باعث شگفتی بسيار است، اينکه برخی ادعا می کنند که حضرت مهدي -عجل الله تعالی فرجه الشریف- متولد نشده است، به رغم اينکه اين ادعا به معنی اين است که حجتی میان خدا و مردم در حال حاضر وجود ندارد!

درست است که میلاد آن حضرت امری بسیار پنهان و سری بوده است، اما این امر به همان حالت تاکنون باقی نماند و در تمام کشورهای شیعیان در آن سکونت داشتند منتشر گردید، و این چیزی بود که خلیفه عباسی را واداشت تا پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در جستجوی حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- برآید. و شاید امام عسکری علیه السلام برای اینکه هر گونه بهانه منکرین تولد آن حضرت را نقش بر آب سازد، حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- را در مقابل انظار برخی از شیعیان، دعوت به حضور می فرمود. به این علت بود که شیعیان، پس از شهادت خودش امامت جعفر را نپذیرند.

بازتاب و عکس العمل موضع شیعه در مقابل جعفر، او را وادار به پیوستن به دستگاه حکومت عباسی نمود، تا در جستجو به دنبال حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- باشند. و پس از آن که روشن شد که حضرت از انظار عموم غیبت نموده، جعفر بطور کلی منکر ولادت او شد.

حقیقت این است که حتی یکی از شیعیان جهان، هرگز منکر تولد حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- نیست. حتی بسیاری از علماء اهل سنت، بر اساس اسناد صحیح تاریخی و معتبر به این امر اذعان دارند. و این اذعان بر اساس این قانون است که:

«وجود حجت الهی بر زمین از ضروریات می باشد».

امام حسن عسکری علیه السلام، در سال ۲۶۰ هجری، شهید شدند. بر این اساس، منصب امامت به فرزندش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در آن هنگام پنج سال سن داشت، انتقال یافت.

آن حضرت زمام امور منصب جدید خود را پس از کنار گذاشتن عمویش جعفر که سعی داشت بر جنازه امام حسن عسکری علیه السلام نماز بگذارد، به دست گرفت، و نماز را بر جنازه پدر خویش اقامه نمود. آنچه که نزد شیعیان معمول است این است که هر شخصی که بر پیکر امام، نماز بگذارد، او همان کسی است که مقام امامت او را پس از مرگش به دست می‌گیرد، زیرا که:

«الامام لا یصلی علیه الا الامام».

«بر امام جز امام، نماز نمی‌گذارد».

بنابراین، مسأله تنها اقامه نماز بر پیکر امام قبلی نبوده، بلکه نماز بود و سپس امامت.

این خبر و خبرهای دیگر، به گوش مقامات حکومتی وقت رسید، و مأموران امنیتی، گروهی مسلح از مأموران خود را برای دستگیری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرستادند. که شاید این هم ترفندی از ترفندهای جعفر، عموی آن حضرت باشد. اما بدون فایده بود.

گروهی مردان مسلح حکومتی؛ به منزل امام عسکری علیه السلام یورش برده و تمام منزل را به دقت جستجو کردند.

محتویات منزل را مهر و موم و زنان را دستگیر، و یکی از کنیزان امام عسکری علیه السلام را به گمان اینکه این کنیز باردار است، بازداشت نمودند. مدت بازداشت دو سال به طول انجامید، اما بدون هیچ سود و فایده، چرا که تمام ترفندهای دشمن در جهت بازداشت آن حضرت نقش بر آب شده بود، و در حال هجوم مأمورین دولتی به منزل امام عسکری علیه السلام، حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - وارد سردابی شده و از انظار غایب شد.

جعفر از فرصت استفاده نموده و به کلی وجود پسری برای امام حسن عسکری علیه السلام را منکر شده، و ارث او را میان خود و بقیه وراثت تقسیم کرد.

دستگاه حکومتی، شاید برای تفرقه افکنی میان صفوف مستحکم شیعیان، و یا گمراه کردن آنان در جهت قبول جعفر، پس از پیوستن به دستگاه حکومتی، به عنوان امام، قانع نشدند.^۱ حضرت هنگام غیبت از انظار مردم، در سرداب معروف کنونی به «سرداب غیبت» پنج سال سن داشته! و دستگاه حکومت عباسی قانع شدند که مسئله به کلی حل شده و رهبریت شیعه تماماً پایان یافته است!

اما مسئله به این سادگی نبوده، چرا که امام عسکری علیه السلام

۱. از حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - درباره عموی او جعفر سؤال شد؛ فرمود: «راه او همان راه برادران حضرت یوسف است».

تدبیرهای دقیقی صورت داده، و همچنین شیعیان، کودن و ساده نبودند که تبلیغات دشمن را باور کنند. آنها به طور جدی و دقیق می‌دانستند که زمین هرگز از حجت خداوند خالی نمی‌شود، اعم از اینکه این حجت الهی ظاهر و نمایان، یا غایب و در پس پرده باشد. و یا در حال انجام وظایف رهبری باشد، یا خیر.

و ممکن نیست که سخنان جعفر را مورد تصدیق و پذیرش قرار دهند، چرا که امام عسکری علیه السلام او را به امامت پس از خود منصوب ننموده است، زیرا که او معصوم نیست، و بر پیکر امام - علیه السلام - نماز نگزارده است، و به دلایل دیگر...

شیعیان، جعفر را شخصاً مورد آزمایش قرار دادند و دریافتند که تنها صفتی که در وی وجود دارد همان صفت: «کذاب» است، و این خبر به سرعت منتشر شد.

شیعیان قم، نمایندگانی به طور پنهانی به شهر سامراء گسیل داشتند، و این هیئت نمایندگی به شکل جامعی پیرامون مطلب تحقیق نمودند، و حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نیز اندکی قبل از اینکه به پس پرده برود، با آن هیئت ملاقات کرد.

این هیئت نمایندگی پس از وقوف به حقیقت و دستیابی کامل به آن، به سوی شهر مقدس قم بازگشتند.

پس از آن، ارتباط شیعیان با امام علیه السلام برای مدتی قطع شد. اما طولی نکشید که این ارتباط برای بار دیگر از طریق سفیر اول

حضرت: «عثمان بن سعید» برقرار شد. لکن این بار ملاقات و ارتباط در بغداد صورت گرفت، نه در سامراء!.

این ارتباطها به طور مستقیم صورت نمی‌گرفت، بلکه توسط شخصی معین انجام می‌گرفت. و هنگامی که این شخص وفات می‌یافت، شخص دیگری جانشین وی می‌شد. این افراد به نام «نایب خاص امام» معروف بودند.

تداوم این گونه تماسها تا سال ۳۲۹ هـ یا ۷۴ سال پس از تولد حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - استمرار یافت. این «غیبت صغری» نام گرفت و حضرتش از انظار پنهان بود.

نواب و نمایندگان آن حضرت در این مدت چهار نفر به ترتیب زیر بودند:

نایب اول: عثمان بن سعید.

نایب دوم: محمد بن عثمان.

نایب سوم: حسین بن روح.

نایب چهارم: علی بن محمد سمري.

پس از رحلت نماینده چهارم امام علیه السلام در سال ۳۲۹ هـ، زمان «غیبت کبری» آغاز شد.

و این آغاز دوران طولانی پنهان شدن آن خورشید درخشان بود، که تا اکنون (سال ۱۴۲۲ هـ) ۱۰۹۳ سال به طول انجامیده و هیچ کس نمی‌داند که تا چه زمانی ادامه خواهد یافت.

چرا برخی ایمان به حضرت مهدی (عج) را رد می‌کنند؟

گروهی از مردم تمایل دارند که دائماً حقایق روشن و عینی را منکر شوند، و کوشش می‌نمایند تا این انکار را بر اساس مسائل عقلانی و با استدلال توجیه کنند، در حالی که حقیقتاً بدون هیچگونه منطق است.

تحلیل این حالت آن است که این گروه دارای عقدهٔ حقارت روان هستند و می‌کوشند برای انتقام از این حالت روانی، حقایق روشن و واضح را انکار و کتمان نمایند، و توجیهی که به آن متوسل می‌شوند، چیزی نیست جز برای پوشش دادن به عقدهٔ حقارت خود. در اینجا گروه دیگری از مردم هستند که منافع آنان با باطل که به آن عقیده مندند، ارتباط تنگاتنگ دارد. و برای اینکه به منافع آنان لطمه وارد نیاید، حقایق را کتمان می‌نمایند.

اما گروه سوم از مردم که شاید انگیزه‌ای برای دفاع از مصالح شخصی خود ندارند، بلکه انگیزهٔ آنان در انکار و نپذیرفتن حقایق متابعت و دنباله روی از پدران و اجداد خود است. اینان می‌کوشند با انکار این حقایق، کرامت و بزرگواری کاذب و پنداری پدران خود

راه پاسداری نمایند!

اکنون باید دید جایگاه منکرین حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه الشریف» در سه گروه مذکور در کجاست؟

تحقیقاً هر سه گروه مذکور، منکر ایمان به آن حضرت هستند و ایمان به او را نمی‌پذیرند! در اینجا هر کس به آن حضرت کفر ورزد، چون دوستدار انکار و رد حقایق می‌باشد، به ویژه اگر این نوع از حقایق، مذهبی و دینی باشد، پس در کفر خود و کتمان حقایق از تمام مردم پابرجاتر است، با اینکه هیچگونه عذر و دلیل قانع کننده‌ای برای این کتمان ندارد؛ لذا بی‌گمان این کتمان حقایق، برخاسته از بیماری روانی می‌باشد.

در چنین شرایطی طبعاً، اقناع به هیچ حقیقتی ممکن نیست، حتی وجود روزا، چرا که آنان معرفت به آن دارند، لکن از روی لجاجت و عمد، انکار می‌نمایند!

«وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ»^۱

«و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند در حالی که در دل به آن یقین داشتند».

«لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ»^۲

«آنها به آن ایمان نمی‌آورند تا عذاب دردناک را ببینند».

اما گروه دیگری که ایمان به حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را

۱. سوره نمل، آیه ۱۴.

۲. سوره شعراء، آیه ۲۰۱.

چرا برخی ایمان به حضرت مهدی «عج» را رد می‌کنند؟ / ۵۳

نمی‌پذیرند، این است که منافع آنان به ایشان اجازه نمی‌دهد تا ایمان بیاورند. عادتاً آنها به مجموعه شبهه‌ها معتقد و پایبند هستند و می‌کوشند با این پایبندی، نفی حقایق روشن را توجیه نمایند.

گروه سوم چندان تفاوتی با گروه دوم در پایبندی به شبهات در توجیه انکار حقایق ندارند، لکن با آنان از این نظر متفاوت هستند که برای حفظ منافع خود، کار نمی‌کنند، بلکه انگیزه انکار حقایق تقلید کورکورانه از پدران خود و حفظ آبروی تخیلی آنان می‌باشد. می‌توان اذعان نمود که بیشتر کسانی که ایمان به آن حضرت را نمی‌پذیرند، از گروه آخر هستند. آنان در منزلی چشم به جهان می‌گشایند که میراث صاحبان آن منزل، عدم پذیرش و ایمان به حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می‌باشد. پس انگیزه و محرک چنین افرادی، تحقیقاً همان تقلید است.

بی‌گمان مثل این مردم مثل مشرکینی است که کفر خود را چنین توجیه می‌کردند:

«إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ»^۱

«ما پدران خود را بر آیین و عقایدی یافتیم و از آنها

پیروی خواهیم کرد».

بنابراین ایمان به آن حضرت به سه چیز نیاز دارد:

۱ - آزادی از تعصب و لجاجت ضد حق.

۲ - آزادی و رهایی از عصبیت برای منافع شخصی.

۳ - آزادی اندیشه و اعتقاد از تعصب و تقلید کورکورانه از پدران

خویش.

پرسشی که خود را در این جا مطرح می‌سازد عبارت است از

اینکه شبهاتی که این گروه برای نفی اعتقاد به آن حضرت بدان

مسلح هستند چیست؟.

جواب:

مجموعه‌ای از شبهات که وجود دارد به شرح زیرند:

الف - می‌گویند: شما شیعه‌ها می‌گویید که حضرت مهدی - عجل الله

تعالی فرجه الشریف - در سال ۲۵۵ هجری تولد یافت و این بدین معنی

است که تاکنون (سال ۱۴۲۲ هجری) ۱۱۶۷ سال زندگی نموده

است و این از نظر عقل به دور است، چرا که چگونه ممکن است

شخصی به مدت طولانی زیست کند؟.

جواب:

۱ - زندگی و عمر طولانی حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بر

اساس مشیت و اراده خداوند است.

آیا می‌گویید: خداوند سبحان قادر به این که شخصی را بدین

سان عمر طولانی دهد، نیست؟!.

۲ - آیا اجماع مسلمین بر این نیست که «خضر» پیامبر تا به

امروز زنده و در سلامت می‌باشد؟، و آیا اجماع مسلمین اینگونه

نیست که «دجال» تا به امروز زنده است؟،

چرا برخی ایمان به حضرت مهدی «عج» را رد می‌کنند؟ / ۵۵

بنابر این چرا به وجود و بقاء خضر پیامبر و دجال ایمان دارید، اما در مورد زنده بودن حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- شک و تردید به خود راه می‌دهید؟

آیا این، گونه‌ای از تضاد و عصبیت بر ضد حق نمی‌باشد؟

۳ - قرآن کریم با صراحت اظهار می‌دارد که «نوح» علیه السلام در میان قوم خود به مدت ۹۵۰ سال زندگی نموده و همچنین زنده بودن اصحاب کهف به مدت ۳۰۹ سال؛ با توجه به اینکه آنان شبیه‌ترین چیز به مردگان بودند. پس چگونه در مورد حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- که زنده است شک و تردید به خود راه می‌دهید؟

همانگونه که قرآن پیرامون حضرت عیسی علیه السلام تصریح می‌کند که آن حضرت نمرده است بلکه به سوی آسمان صعود و عروج نموده و تا اکنون زنده است.

تمام این نمونه‌های برجسته، دلالت بر قدرت الهی دارد، که توانمند است هر چیزی را که اراده کند، به وقوع پیوندد.

در واقع برای خداوند سبحان انجام کار کوچک و بزرگ تفاوتی ندارد. برای خداوندی که قادر به دادن یک سال عمر به شخصی می‌باشد، تحقیقاً توانمند است که به دیگری یک میلیون سال عمر دهد. بنابر این، چنان نیست که امر نخستین سهل و آسان و دومی سخت و دشوار باشد، بلکه نزد خداوند همه امور یکسان است؛ آیا چنین نیست؟

۴ - چنانکه به تاریخ رجوع کنیم مشاهده می‌نماییم که مردانی

در خود داشته که سالهای سال و هزاران سال زندگی کردند. مثلاً تاریخ، پیرامون «نعمان» خاطر نشان می‌سازد که او هزار سال زندگی کرد، در حالی که موهای او سفید نشده و دندانهایش سالم بود و حتی کمر او نیز خمیده نشده بود!

همچنین، نمونه‌های بسیاری از انسان‌ها وجود دارند که هزارها سال عمر کردند.

(به کتاب تصنیف شده «ابوحاتم سجستانی» در احوال کسانی که عمر طولانی داشتند، مراجعه نمایید).

تحقیقاً کسانی که این شبهه را دستاویزی برای انکار وجود آن حضرت قرار داده‌اند، بیشتر به آن شخصی می‌مانند که هم اکنون نیز صعود انسان به ماه را انکار می‌کند. و هنگامی که از او پرسش شود که چرا و به چه دلیل انسان به ماه نرفته است؟

پاسخ می‌دهد: این یک امر شگفت‌انگیز و غیر قابل باور است!! و به دلیل غیر قابل باور آن، تمام حقایق را انکار می‌کند!

ب - می‌گویند: اسناد دینی و نص‌های تاریخی به صورت یقینی ثابت نشده‌است! بنابراین ما به وجود حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ایمان نمی‌آوریم!

جواب:

شما به یک حدیثی که از رسول الله صلی الله علیه و آله وارد شده ایمان دارید، اما به صد و هفت حدیثی که از طریق رجال مذاهب اربعه وارد شده، به اضافه صدها حدیث که علماء در این باب نقل نموده‌اند،

چرا برخی ایمان به حضرت مهدی «عج» را رد می‌کنند؟ ۵۷/

ایمان نمی‌آورید؟!.

آیا این نوعی تناقض در عقیده نیست؟!.

شاید بگویید: ما روایات و اخبار وارده پیرامون آن حضرت را نقل ننموده‌ایم، بلکه تنها شیعه است که این احادیث را روایت می‌کنند! آیا یهود و براهمه و مسیحیان که نبوت حضرت محمد ﷺ را انکار می‌نمایند و معجزات آن حضرت را رد می‌کنند به بهانه اینکه معجزات آن حضرت را مشاهده ننموده‌اند، قابل قبول و درست است؟!.

واقعیت آن است که احادیث وارده از طریق اهل سنت بیشتر از احادیث وارده از طریق شیعه می‌باشد. به کتابهای خود مراجعه نمایید، آنچه را که ما می‌گوییم خواهید یافت.

ج - می‌گویند: همانا شیعه است که به این احادیث ایمان دارند. بنابراین ما به اینها ایمان نخواهیم آورد!.

حقاً که این یک بهانه عجیبی است. و ما نمی‌خواهیم این بهانه بر زبان آنها جاری شود و یادآوری گردد. بلکه منشأ آن از خود آنها می‌باشد.

«غزالی» شافعی می‌گوید:

«سنت وارده در مورد قبور، مسطح بودن قبر است... اما چون شیعه به آن عمل می‌کنند، ما به دنبال آن رفتیم که قبرها منحنی باشد!!».

چرا؟.

و نیز می‌گوید:

«حج تمتع برتر از حج قران و افراد است، ولی چون شیعه‌ها آن را انجام می‌دهند، ما انجام نمی‌دهیم.»!!
چرا؟

«محمد بن علی مغربی» (سنی مذهب) می‌گوید:

«زید، بر جنازه‌ای پنج بار تکبیر گفت، رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز چنین می‌کرد، و برخی از مردم قائل به آن بودند، ولی ما ترک کردیم، زیرا که زید بر اساس تعلیمات شیعه تعلیم داده شد.»!!
چرا؟

«زمخشری» (حنفی) پیرامون گفتار خداوند سبحان که می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ»^۱

«اوست خدایی که هم او و هم فرشتگانش بر شما درود و رحمت می‌فرستند.»

می‌گوید: «به مقتضای این آیه صلوات و درود بر برگزیدگان مسلمین می‌توان فرستاد، اما چون شیعه برای خود، ائمه و برگزیدگانی برگزیدند و بر آنها درود فرستادند، ما این امر را منع کردیم.»!!
چرا؟

چرا برخی ایمان به حضرت مهدی «عج» را رد می‌کنند؟ / ۵۹

«عبداللطیف مناوی» می‌گوید:

«ابی داؤد چنین نقل می‌کند که: رسول خدا ﷺ بر سر «ابا عوف»
عمامه نهاد و آن را از میان دو دست و پشت او آویخت، و این عمل
در نزد روحانیون امامیه رواج گرفت، پس لازم است ما این عمل را
ترک گوییم»!!

چرا؟

این چه منطق کژ و منحرفی است؟، این سخنان چه معنی
دارند؟، آیا این از بزدلی و خیانت به حق نیست که انسان حقایق
روشن و بدیهی را به بهانه این که مذاهب دیگر بدان ایمان دارند و
عمل می‌کنند، انکار و رد نماید؟
آیا این جهل است؟، یا تجاهل؟، یا تعصب بر ضد تشیع؟، و یا
نوعی از بلاهت و حماقت است.

د - می‌گویند: در مواردی به نام حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه
الشریف - انقلابها و حرکت‌هایی آتشین صورت گرفته است، از این رو
این عقیده باطل است.

جواب: گناه عقیده مهدویت چیست، اگر برخی در راه مصالح
شخصی خود از آن سوء استفاده می‌نمایند؟، و آیا منطقی است که
گناه این انقلاب‌هایی که این عقیده صائب و پاک را دستاویزی برای
خود قرار داده‌اند به گردن عقیده بیندازیم؟!.

چنانکه اشخاصی یافت شوند، دروغین و مزورانه ادعا نمایند که
«امام مهدی» هستند، آیا این مسئله موجب می‌گردد که درباره

عقیده مهدویت دچار تردید شویم؟

چنانکه این منطق کثر را بپذیریم، معنی آن این خواهد شد که -العیاذ بالله- حتی در وجود خدا نیز تردید پیدا کنیم، چرا که در موارد متعددی برخی از مردم به دروغ ادعای خدایی نمودند، از این رو باید بگوییم که خدا موجود نیست؟!.

همچنین نبوت را نیز باید انکار نمود، چرا که در موارد متعدّد، اشخاصی دعوی نبوت نمودند، در حالی که دروغ و ناصواب می‌گفتند. بنابراین آیا نبوت باطل است؟!.

آیا این منطق مقرون به سداد و صواب است؟.

یا این که منطق صحیح آن است که بگوییم: قطعاً خداوند موجود است، و اینان را تکذیب نماییم. و نبوت صحیح است، و مدعیان دروغین باطلند. و محققاً حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- موجود است؛ و مدعیان دروغین را تکذیب نماییم.

در حقیقت: کسانی که وجود آن حضرت را انکار می‌کنند، و یا کسانی که اصل مهدویت را ردّ می‌نمایند، از سه موضع‌گیری و جایگاه حرکت می‌کنند.

۱ - جهل نسبت به عقیده حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف-.

۲ - تعصب بر ضدّ حق.

۳ - پیروی و تقلید کورکورانه از آباء و اجداد خود.

از این رو، برای اینکه آنان به این عقیده اسلامی ایمان آورند، ناچار باید از جهل و تعصب و تقلید کورکورانه، رها شوند!

تمدن در عصر حضرت مهدی علیه السلام چگونه خواهد بود؟

ساختار و شالوده هر تمدنی بر روی زمین، بر سه عامل اساسی و مهم، استوار است، که عبارتند از:

۱ - استحکام و استقرار سیاسی.

۲ - امکانات مادی.

۳ - نیروی انسانی.

در صورت فقدان هر یک از این عوامل اساسی سه گانه، ساختن و برقراری شالوده هر تمدنی بر روی زمین محال خواهد بود.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌گردد عبارت است از اینکه: آیا این سه عامل در زمان حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - فراهم خواهد شد؟

در حقیقت، حکومتی که آن حضرت به پا خواهد نمود، تمام این مراحل را فراهم خواهد ساخت، و بر اساس شالوده این حکومت بهترین تمدنی که ممکن است انسان آن را تصور کند، بر روی زمین ساخته خواهد شد!

تفاوت میان تمدنی که آن حضرت برقرار خواهد نمود، و تمدنی

که مردم، آن را برپا کنند، نظیر تفاوت میان قانون زندگی است که خداوند آن را تدوین و ارسال کند، و قانونی که انسان واضع آن است. از این رو تمدن آن حضرت همان تمدن اسلام حقیقی است و تحقیقاً پسان تمدن‌هایی نیست که پس از رحلت جانگداز رسول الله صلی الله علیه و آله برپا شده، زیرا در حقیقت، تمدن‌هایی که به نام اسلام عرضه شده با واقع اسلام فاصله دارند و بیراهه می‌روند. در حالی که تمدن در عصر حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - آن چنان تمدن صحیح و واقعی است که خداوند طالب آن می‌باشد.

معیارها و ملاک‌های تمدن اسلامی آن حضرت بسیار دقیق و منظم است، چرا که این تمدن، پس از تجربه و آزمون تمام راه و روش‌ها و مکتب‌ها و ادیان بر سر کار خواهد آمد، تا بطور مؤکد برای مردم ثابت شود که این مکتب‌ها و راه‌ها هرگز نمی‌توانند سعادت مطلوب را برای بشر به ارمغان آورند، و چیزی که به نام تمدن به وسیله خودشان به وجود آمده است، جز ظلم و فساد چیز دیگری نمی‌تواند باشد. لذا آن مهر تابان پس از اینکه زمین مملو از ظلم و ستم گردد، از پس پرده غیبت ظهور خواهد نمود، برای این که آن را سرشار از عدل و قسط نماید.

در آن زمان انسان، عدم توانایی خود را برای نجات بشریت لمس می‌کند. و هر چه بیشتر به این تمدن پوچ نزدیک گردد، نیاز به مصلح جهانی را، بیشتر احساس می‌نماید.

چیزی که باعث شگفتی می‌گردد این است که این احساس نه

تمدن در عصر حضرت مهدی علیه السلام چگونه خواهد بود؟ / ۶۳

تنها در نزد ملت‌های عقب نگه‌داشته شده، روز به روز تقویت پیدا می‌کند، که در نزد ملت‌هایی که معتقدند - در حال حاضر - به قلّه تمدن رسیده‌اند، در حال فزونی می‌باشد.

و علیرغم این که این ملت‌ها در میدان صنعت و تکنولوژی در پیشرفت فزاینده‌ای می‌باشند، در همین حال به نسبت همان افزایش در صنعت، در میدان نیاز به سعادت و اطمینان، در حال عقب‌گرد هستند. و روز به روز بر قبول و پذیرش این می‌باشند که تمام نظام‌های کنونی که بر جهان حاکم هست، فاسد است!

از اینجا اهمیت تمدنی که حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - آن را برپا خواهد نمود، آشکار می‌گردد. لذا این تمدن به عنوان آخرین و طولانی‌ترین تمدنی است که بر روی زمین پیاده خواهد شد، زیرا که عمر آن تا روز قیامت استمرار خواهد یافت.

البته مسلمانان نباید از حرکت و تلاش باز ایستند و تسلیم ستم‌سنگران شوند، و فقط در انتظار تمدن اسلامی در عصر حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بمانند، این اشتباه محض است، به همان سان که اشتباه و خطاست انسان تصور نماید که عصر طلایی اسلامی از دست رفته و دیگر باز نخواهد گشت.

تحقیقاً اسلام به عنوان نیرومندترین قدرت جهان باز خواهد گشت، بلکه در آن وقت نیرویی غیر از نیروی اسلام، نخواهد بود، و این نیرو تا قیامت به عنوان نیروی حاکم بر روی زمین باقی خواهد ماند زیرا که حکمت الهی آن را لازم می‌داند، و سخنان انبیاء آن را

تبیین می‌نماید و حقیقت این جهان بر آن تأکید دارد.

بنابراین لازم است منتظران واقعی حضرتش تلاش برای زمینه سازی استقرار تمدنی اسلامی و نیرومند، بنمایند و یقین داشته باشند که سرانجام، جهان از آن مؤمنان حقیقی و نیکوکاران است.

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۱.

«ما در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان صالح من وارث (حکومت) زمین خواهند شد».

اکنون بنگریم که تمدن اسلام در عصر حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - چه دست آوردهایی دارد و چه چیزی به ارمغان می‌آورد؟ در مورد دست آوردهای تمدن اسلامی در آن عصر به صورت خلاصه می‌توان گفت: «سعادت حقیقی» و به صورت مفصل عبارت است از:

- ۱ - علم و معرفت.
- ۲ - امنیت و آرامش کامل.
- ۳ - رفاه و گشایش اقتصادی.
- ۴ - شکوفایی عمران و آبادانی.
- ۵ - کمالات انسانها.

دانش در عصر حضرت مهدی (عج)

هر آنچه که انسان در این عصر آرزو کند و به صورت رؤیا در خود تصوّر نماید، در عصر حضرت مهدی (عج) تحقق و عینیت پیدا خواهد کرد.

بطور مثال، در این عصر، دانشمندان در آرزوی روزی هستند که مسئله و مشکل بی‌سوادی به کلی حلّ و فصل شود، ولی آن روز را بسیار دور می‌دانند اما در عصر ظهور، مشکلی به نام بی‌سوادی، وجود نخواهد داشت. در آن عصر تمام مردم، دانشمند خواهند شد. بلکه از بسیاری از اموری که انسان عصر کنونی از درک آن عاجز است، آگاهی پیدا خواهند نمود.

دانش در آن عصر تنها به مردان آن زمان محدود نخواهد شد، و شامل زنان نیز خواهد بود. چرا که اسلام در ضرورت تحصیل علم میان مرد و زن فرقی قائل نیست.

«طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة»^۱

۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۷. عوالی اللئالی، ج ۲، ص ۳۲. مصباح الشریعه، ج ۷۰، ص ۶۸. تنبیه الخواطر، ص ۴۰۹.

«تحصیل و کسب علم بر هر مرد و زن مسلمان، واجب است».

در حدیثی از امام باقر علیه السلام چنین آمده:

«و توتون الحکمة فی زمانه حتی ان المرأة لتقضى فی بیتها بکتاب الله و سنّة رسول الله»^۱.

«در زمان آن حضرت، حکمت و دانش داده می‌شوید تا جایی که زن در خانه خود به وسیله کتاب خدا و سنّت رسول الله صلی الله علیه و آله، به داوری می‌نشیند».

در مورد آرزوهای «سرعت» ارتباطات بین‌المللی که هنوز نیز مقدار زیادی از اندیشه و تفکر بشری را به خود معطوف داشته است، برخی از احادیث می‌گویند:

در عصر حضرت ولّی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - مشکلی به نام عدم سرعت ارتباطات نخواهد بود. در آن عصر برای کلیه انسان‌ها این توان وجود دارد که با هر نقطه از جهان در مدت بسیار کم، ارتباط برقرار سازد. در آن زمان برخی، این توانایی را خواهند داشت که مسافت‌های بسیار زیاد را به طریق ویژه‌ای که از کیفیت آن آگاهی نداریم، طی مسافت کنند. و برخی دیگر توسط ابرها همانگونه که حضرت سلیمان علیه السلام بر ابرها سوار می‌شد بدین وسیله طی مسافت خواهند نمود!

اما در رابطه با شخص امام مهدی علیه السلام، برخی از احادیث چنین

می‌گویند:

«لا تراه عين في وقت ظهوره الا رآته كل عين!».

«در هنگام ظهور آن حضرت، تنها یک چشم وی را نمی‌بیند، که در یک آن واحد، همگان همزمان آن حضرت را خواهند دید».

حدیث دیگری می‌فرماید:

«ان قائمنا اذا قام مد الله لشيعتنا في اسماعهم و ابصارهم، حتى لا يكون بينهم و بين القائم برید يكلمهم فيسمعون و ينظرون اليه و هو في مكانه!!»^۱.

«تحقیقاً هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند متعال نیروی مضاعف به گوش و چشمان شیعیان ما عنایت می‌فرماید، تا اینکه میان آنان و حضرت قائم پیک و پست، که ارتباط برقرار نماید، نخواهد بود. پس با آن حضرت هر جا که هستند، سخن می‌گویند و مشاهده می‌نمایند، در حالی که در مکان خود می‌باشند».

اما چگونه این امر تحقق خواهد یافت؟ آیا از طریق تلفن، بی‌سیم، و یا تلویزیون؟

مهم این است که این مسئله تحقق خواهد یافت و به وقوع خواهد پیوست. شاید حدیث بعدی به ما پاسخ این پرسش‌ها را بدهد:

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، شماره ۷۲. منتخب الاثر، ص ۴۸۳، شماره ۲. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۹۲.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«اذا تنهت الامور الى صاحب هذا الامر (الامام المهدي) رفع الله له كل منخفض. و خفض له كل مرتفع حتى تكون الدنيا بمنزلة راحته! فايكم لو كان في راحته شعرة لم يبصرها؟!».

«چنانکه سرانجام کلیه امور به دست صاحب زمان برسد، خداوند متعال تمام فراز و نشیبها را برای او هموار می گرداند تا آن جا که دنیا به منزله کف دست خود درآید. چه کسی از شما اگر در کف دست خود مویی باشد، آن را مشاهده نماید؟!»^۱.

این حدیث بیانگر این است که ارتباطات در آن عصر از طریق تلویزیون، تلفن، رادیو و بی سیم صورت نخواهد گرفت، بلکه دیدن و شنیدن به طور مستقیم است، بسان دیدن مو در کف دست انسان، و این است که مهم می باشد.

نهایت درجه علم انسان در عصر کنونی، به ساختن هواپیمای «کونکورد» رسیده است که سرعت آن دو برابر سرعت صوت است. و در مدت شش ساعت، مسافت میان شهر پکن و شهر پاریس را طی می کند! البته هواپیمای کونکورد و امثال آن در عصر امام مهدی علیه السلام در ارتباطات بین افراد بشری یک وسیله ابتدایی و بسیار در سطح

۱. کنایه از اینکه تمام دنیا آن چنان در اختیار و زیر نظر آن حضرت قرار خواهد گرفت که مشاهده و احاطه به آن، آسان و ساده خواهد بود.

پایین بشمار خواهد آمد!

این یک امر طبیعی و معمولی می باشد چرا که تمدنی که حضرت مهدی علیه السلام پایه ریزی آن را خواهد نمود، ارتباطات سریع و گسترده را طلب می کند.

مدرن شدن امنیت بین المللی و جهان هستی و یکپارچگی دین و نظام و رهبری، و مرکز حکومت یکپارچه و واحدی که بر سیستمی نوین و مدرنیزه بنا نهاده شده، نیازمند وسایل ارتباط به مراتب سریعتر و مدرن تر از هواپیمای کونکورد و مانند آن می باشد. بنابراین: خداوند سبحان در این رابطه برای تمدنی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف - شالوده آن را خواهد ریخت، وسایل ارتباطات بسیار پیشرفته تر و سریعتر آماده فرموده است، بدیهی است که این وسایل ارتباطات از وسایلی که هم اکنون میان ما متداول است، نخواهد بود، بلکه از نوع دیگری باید باشد، که از مقوله تسخیر و به خدمت گرفتن قوای هستی خواهد بود.

البته احادیث و روایات فراوانی، بر این مضمون دلالت می کند. از جمله حدیث منقول امام باقر علیه السلام:

«أما أنه سيركب السحاب و يرقى في الأسباب
السموات السبع».

«اما آن حضرت بر ابرها سوار خواهد شد، و از وسایلی
استفاده خواهد نمود نظیر وسایل آسمانهای هفت گانه».

و در حدیث دیگری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین رسیده است:

«انّ الله ناجاني ليلة الاسراء في المهدي عليه السلام قال: و
لا سخرنّ معه الرّياح، و لا ذلّلتن له السّحاب الصّعب، و
لا رقيته في الاسباب».

«همانا خداوند متعال در شب معراج در مورد امام مهدی
-عجل الله تعالی فرجه الشریف- به من چنین فرمود: سوگند که بادهای
و ابرها را به تسخیر او در خواهم آورد، و اسباب و وسایل
گوناگون در اختیار او خواهم گذاشت».

این حدیث و احادیث دیگر، پرسشی را مطرح می‌نمایند که
پیوسته اندیشه و فکر بشریت را به خود معطوف داشته، و رؤیاهای
طلایی را برای انسان مخصوصاً در عصر کنونی مطرح نموده است و
آن عبارت است از این که:

چنانکه در زمان حضرت قائم علیه السلام چنین ارتباطات گسترده و
پیشرفته بوجود خواهد آمد، آیا انسان در آن عصر توان مسافرت به
ستاره‌های دیگر را خواهد داشت و یا ارتباط با آن کواکب برقرار
خواهد نمود؟

جواب: آری.

احادیث وارده از ائمه طاهرين علیهم السلام بر این تأکید می‌کند که در
این فضای بیکران ستاره‌هایی وجود دارند که حدود ندارند که
خداوند متعال در آنها آفریده‌های بیشماری خلق نموده است، این
احادیث چنین می‌افزایند:

هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام از پس پرده برون آید، وسایل و

ابزار مسافرت به سیاره‌های دیگر این آسمان، و حاصل نمودن تماس با ساکنان این سیاره‌ها، برای انسان فراهم خواهد آمد، و این یعنی: ساکنان فضا نیز توان سفر به زمین و تماس حاصل نمودن با زمینیان را به سادگی و آسانی پیدا خواهند نمود.

بنابراین: عصر آن امام تنه‌عصر اتحاد و یکپارچگی ملت‌ها نیست، بلکه عصر هماهنگی و یکپارچگی عوالم هستی با یکدیگر می‌باشد! و این آرزوی بزرگ بشریت است که هنوز نیز در پی آن است. در حالی که به نظر می‌رسد که تا قیام تمدن اسلامی در عصر حضرتش بدان راه نخواهد یافت.

آیا چیز دیگری وجود دارد که بشریت آرزوی آن را داشته باشد؟

آری، طول عمر است.

آیا عمر انسان در عصر او طولانی خواهد شد؟

آری.

نهایت آرزوی دانشمندان عصر کنونی، این است که عمر انسان را افزایش دهند. حتی اگر به مقدار صد سال باشد. و از برای تحقق این هدف، ذهن دهها هزار پزشک و دانشمند به این آرزو مشغول شده و آزمایشات و تحقیقات فراوانی انجام گرفته، لکن بدون هیچ نتیجه و فایده‌ای است، و هنوز علم با تحقق یافتن این هدف فاصله بسیاری دارد.

اما در عصر آن امام همام عمر انسان به چندین برابر عمر کنونی

خواهد رسید. بلکه برخی احادیث اشاره دارند بر اینکه دگرگونی‌هایی در حرکت افلاک رخ خواهد داد، که هر سال آن عصر با ده سال از عصر کنونی ما برابر خواهد شد!

درباره این موضوع برخی احادیث می‌گویند:

«و یعمّر الرّجل فی ملکه حتّی یولد له الف ذکراً!».

«آنقدر مردان آن عصر عمر خواهند کرد تا این که هزار

فرزند به دست خواهند آورد!».

آیا آرزوی دیگری باز خواهد ماند که انسان عصر کنونی را به

خود سرگرم نموده است؟

آری، چیره شدن بر بیماری‌ها و معلولیت‌های صعب‌العلاج، و

حتّی بیماری‌هایی که دانش پزشکی از درمان آن عاجز است،

درمان خواهند شد. نظیر نابینایی، لالی، ناشنوایی و سایر

بیماری‌ها. آیا در عصر ظهور امام زمان -عجل الله تعالی فرجه الشریف- دیگر

معلول و بیمار نخواهیم داشت؟

آری، دیگر نخواهیم داشت.

در حدیث آمده است:

«...انّ الله قال لنبیّه لیلۃ الاسراء: انّی ابرء به (الامام

المهدی) الاکمة و الاعمی... و اشفی به المریض!»^۱

«خداوند سبحان در شب معراج به پیامبر خود فرمود: من

توسط او (امام مهدی) کلیه بیماران، حتی نابینایان و لالان را شفا و سلامتی خواهم بخشید!».

در حدیث دیگری از امام زین العابدین علیه السلام چنین آمده است:
«اذا قام قائمنا اذهب الله عن شيعتنا كل عاهه، و جعل قلوبهم كزبر الحديد، و جعل قوّة الرّجل منهم قوّة اربعين رجلا!»^۱.

۱. مضمون این حدیث در احادیث فراوانی یافت می شود مانند این احادیث:

۱- امام باقر علیه السلام می فرماید: «من ادرك قائم اهل بيتي من ذي عاهه بري»، و من ذي ضعف قوي». «هر کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند، اگر بیمار باشد بهبودی می یابد و اگر ناتوان باشد، نیرومند می شود.»

المهدی، ص ۱۹۷. بشارة الاسلام، ص ۲۴۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵.

۲- امام باقر علیه السلام می فرماید: «و تزول كل عاهة عن معتقدی الحق من شيعة المهدي، فيعرفون عند ذلك ظهوره بمكة فيتوجهون لنصرته، تطوى لهم الارض و يذل كل صعب». «هر بیماری که از معتقدین به حق و از شیعیان مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - باشد، بهبودی می یابد، و در آن موقع به ظهور او از مکه واقف می شوند و برای یاری او به سوی مکه می شتابند، زمین برای آنها طی می شود (زیر پایشان درهم می پیچد) و تمام سختیها برای آنها آسان می شود.»

منتخب الاثر، ص ۴۸۶. محجة البيضاء، ج ۴، ص ۳۴۳. الزام الناصب، ص ۱۸۵. بشارة الاسلام، ص ۱۷۶. و امام مهدی، ص ۲۳۵.

۳- امام زین العابدین علیه السلام نیز در این مورد فرموده است: «اذا قام القائم اذهب الله عن كل مؤمن العاهه و ردّ اليه القوّة».

«هنگامی که قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قیام کند خداوند از هر مؤمنی اندوه و بیماری را می برد و به هر مؤمنی توان می بخشد.»

بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴ و ۳۱۷. غیبت نعمانی، ص ۱۷۱. الزام الناصب، ص ۱۳۹ و ۲۳۰.

«چنان که قائم ما قیام کند، خداوند متعال تمام بیماری‌ها را از شیعیان ما دور می‌سازد. و دل‌های آنان را بسان قطعه فولاد قرار می‌دهد. و نیروی هریکی از آنان را برابر چهل مرد، بالا می‌برد».

این چنین تمدنی در عصر امام مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- بوجود خواهد آمد. و در آن عصر علم چنین خواهد شد، که مشکلی به نام بی‌سوادی نخواهد ماند. و همچنین مشکلی به نام ارتباطات نخواهد بود. و عمر انسان چندین برابر مضاعف خواهد شد. به بیماریها و معلولیت‌ها خاتمه داده خواهد شد. به سیاره‌های دیگر می‌رود و با ساکنان آن سیاره‌ها ملاقات خواهد شد!

آیا این سعادت حقیقی نیست؟

۴- امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید: «انه لو قد كان ذلك، اعطى الرجل قوّة اربعين رجلا و جعلت قلوبهم كزبر الحديد. لو قذف بها الجبال لقلعها، و كنتم قوام الارض و حزانها.»

«چون این امر واقع شود برای هر انسان نیروی چهل مرد داده می‌شود، و دل‌هایشان چون قطعه فولاد می‌گردد، که اگر با آن دل، خود را به کوه بزنند از جای می‌کند، و شما در آن زمان قائم به قسط در روی زمین، و اختیاردار خزائن و معادن آن هستید».

بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲. الزام الناصب، ص ۲۲۷. بشارة الاسلام، ص ۲۴۰. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۷۹. غیبت نعمانی، ص ۱۶۶.

۵- امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید: «ان الرجل منهم يعطى قوّة اربعين رجلا، و ان قلبه لاشد من زبر الحديد! و لو مروا بجبال الحديد لقطعوها! لا يكفون سيوفهم حتى يرضى الله عزوجل».

«به یک نفر در آن زمان نیروی چهل مرد داده می‌شود و دل او از قطعه فولاد سخت‌تر می‌شود، اگر به کوه‌های آهن روی آورد آنها را قطعه قطعه می‌کند! شمشیرهای خود را از پیکار باز نمی‌دارند، جز هنگامی که خدای تبارک و تعالی از آنها خشنود باشد».

بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷. منتخب الاثر، ص ۴۸۶. الزام الناصب، ص ۲۲ و ۱۳۹.

امنیت جهان هستی در سایه تمدن حضرت مهدی (عج)

امنیت در سایه تمدن امام عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - چگونه خواهد بود؟

نخست: باید بدانیم منظور از کاربرد کلمه امنیت چیست؟

امنیت کشور، امنیت اجتماع امنیت فردی وجود دارد.

تحقیقاً هر سه این امنیت، برای تأمین سعادت در زندگی مورد نیاز و ضروری هستند، و به مجرد از بین رفتن یکی از آنها، حیات انسانی مورد تعرض خطر جدی و شقاوت قرار می‌گیرد.

تحقق امنیت، آرزوی کلیه امت‌هایی است که در پی ساختن تمدن انسانی می‌باشند چنانکه امنیت و آسایش سیاسی یک کشور، دچار تزلزل گردد، برپایی هر نوع پیشرفت و تمدن در آن سامان - اگر نگوئیم محال است - دشوار خواهد شد.

ملت‌ها در هر زمان و مکان پیوسته در جستجوی امنیت و آسایش هستند، به ویژه در این زمان. چرا که مسابقات تسلیحاتی در همه کشورهای، امنیت و صلح را به مخاطره افکنده است. و به نظر می‌رسد که بیش از پیش به امنیت و صلح نیازمند هستیم.

برای تحقق امنیت و صلح در جهان «سازمان ملل» پایه‌ریزی گردید. و پس از جنگ جهانی دوم، «شورای امنیت» پایه‌گذاری شد، که به عنوان یکی از شعب مهم و برجسته «سازمان ملل» قرار گرفت.

این دو نهاد از گذشته‌های دور، در اقصی نقاط جهان، برای تحقق صلح جهانی و دستیابی به امنیت، کوشش‌های فراوان در سطح بین‌المللی مبذول داشتند. اما آیا صلح و امنیت جهانی حاصل گردید؟.

هرگز....

نه تنها هنوز صلح و امنیت به وقوع نپیوسته است، که بعید به نظر می‌رسد تحقق یابد. و نمونه بارز آن جنگ ویتنام، بحران خاورمیانه، جنگ ایرلند، مبارزات آزادیبخش ملی و اسلامی و سایر جنگ‌ها. که هنوز ادامه دارد. و افزون بر این‌ها وجود احزاب سیاسی وابسته و باندهای مسلح، و گروه‌های آنارشیکست^۱ (هرج و مرج طلب) تهدیدی جدی علیه امنیت و صلح به شمار می‌آید.

مضافاً بر اینکه، جنگ سرد میان ابرقدرتها، کودتاهای خونین نظامی، اعتصابات و جنگ‌های مسلحانه که در هر کشوری تقریباً وجود دارد، تمامی اینها علیه صلح و امنیت هستند.

بنابراین امنیت سیاسی در بیشتر کشورهای جهان وجود ندارد.

این چه امنیت کشوری است، و این چه امنیت اجتماعی است. به هر حال مسئله بسیار اندوهگین و تأسف بار است. در بیشتر جوامع جهانی به ویژه جوامعی که می‌پندارند به قلّه سعادت رسیده‌اند، ناهنجاری‌های اجتماعی، به صورتی خوفناک و دهشت‌انگیز، شیرازه این جوامع را از هم می‌گسلد. چرا که جنایات رفته رفته افزون می‌گردد. سرقت، قتل و تجاوز، آدم‌ربایی و هر نوع جنایت دیگری به شکل عجیب رو به فزونی می‌رود. به نظر می‌رسد لازم است مثال روشنی از عدم امنیت اجتماعی بزنیم که گریبان گیر بیشتر جوامع جهانی شده به خصوص، جوامع به اصطلاح متمدن همچون کشورهای آمریکا، انگلستان و آلمان. در آمریکا:

گزارشی در آمریکا منتشر شده است که می‌گوید:
در هر پانزده دقیقه، یک دختر در آمریکا ربوده می‌گردد.
در انگلستان:

روزنامه «دیلی میل» می‌نویسد:
تحقیقاً جنایات خطرناکی، چون سرقت و فروش مواد مخدر، که در متروی شهرهای مختلف فزونی یافته است، کمتر از جنایات مرتکبه در متروهای پایتخت انگلستان نیست. تنها در سال گذشته در گذرگاه‌های مترو ۴۹۱۸ عمل جنایتکارانه صورت گرفت. و در سال بعد، بر تعداد جنایات به نسبت ۳۹٪ به این رقم افزوده شد.
در آلمان:

گزارش معتبر از منابعی موثق می‌گوید:

فروشگاه‌هایی که در یک سال در معرض سرقت قرار گرفته است بالغ بر ۱۴۸ هزار فروشگاه می‌شود. و قیمت کالاهای مسروقه در بازار اجمالاً یک درصد از کالاها را تشکیل می‌دهد. یعنی یک میلیارد مارک در سال.

این نمونه‌هایی از امنیت اجتماعی.

اما در مورد امنیت فردی چه اتفاقی رخ می‌دهد؟

امنیت فردی مقوله‌ای جدا از امنیت اجتماعی و امنیت کشوری نیست و ارتباط ریشه‌ای با یکدیگر دارند. چرا که فرد، جزئی از کشور و عضوی از جامعه می‌باشد و طبعاً ناهنجاریهای سیاسی و اجتماعی که در هر کشوری رخ می‌دهد بر فرد اثر می‌گذارد.

افزون بر آن و با چشم‌پوشی از این مسئله، فرد معاصر به دنبال پیامدهای متعددی، دچار اضمحلال و فرسودگی می‌گردد. از جمله این عوامل و پیامدها؛ خلاء ایدئولوژی گسترده می‌باشد.

در یک گزارش از یک پزشک بزرگ روان‌شناس خواندم که می‌گوید:

بی‌گمان افسردگی و اضطراب، بسیار گسترش یافته است. و نه تنها دامن‌گیر بزرگسالان شده که گریبان‌گیر کودکان نیز شده است. با توجه به این که کودکان از افسردگی و اضطراب مصون بودند، و این بر اثر خلاء ایمانی و عدم اعتقاد به مذهب می‌باشد. مفسد تمدن نوین که مالا مال مسائل مادی است، افسردگی را بر انسانها

تحمیل می‌کند. و در حقیقت دست آورد تمدن بر پایه مسائل مادی، همان اضطراب و افسردگی می‌باشد.

در نتیجه عدم امنیت روانی جنایات به مراتب افزون می‌گردد، خودکشی و بیماری‌های عصبی افزایش می‌یابد و در بیشتر اوقات منجر به جنون می‌شود.

۲۰٪ از مردم آمریکا دچار بیماری‌های عصبی می‌باشند. و بیشتر از هر کشور دیگری، مراجعین بیمارستان‌های روانی، در آمریکا هستند. در حالی که به لحاظ تمدن مادی و تکنولوژی از هر کشور دیگر، پیشرفته‌تر و کامل‌تر می‌باشد. و شاید این همه ناهنجاری به همین دلیل باشد.

مهم این است که ترس و نگرانی و اضطراب در روان انسانها رو به افزایش می‌باشد، و هر روز فزونی می‌یابد. و این بر امنیت روان و آرامش درون و سرانجام بر سعادت فرد و اجتماع اثر منفی خواهد گذارد.

این بود شمه‌ای از وضعیت امنیت در عصر کنونی ما.

اما وضعیت امنیت در عصر حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف -

چگونه خواهد بود؟

پیش از آنکه به این پرسش پاسخ دهیم، طرح سؤال دیگری ضروری به نظر می‌رسد و آن عبارت است از:

انگیزه‌های اساسی که موجب فقدان امنیت و پیدایش نگرانی و

اضطراب می‌گردد چیست؟

پاسخ به این پرسش عبارت است از:

هر نوع اضطراب و نگرانی اعمّ از نگرانی در زمینه مسائل سیاسی، اجتماعی و روانی، عادتاً به وسیله دو عامل اساسی منشاء پیدا می‌کند:

عامل نخست: رویارویی ایدئولوژی‌ها و مکاتب.

عامل دوم: بحران‌های اقتصادی.

بقیه رویارویی‌ها و بحران‌ها تابع این دو عامل می‌باشند. ستیز طبقاتی و رویارویی استعماری و بحران‌های اجتماعی، همه و همه از این دو عامل مزبور، اثر دارند.

آیا این دو عامل در عصر امام مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- خواهند بود؟

تمدن قرن بیستم، رویارویی عقاید و ایدئولوژی‌ها را تشدید می‌سازد، و بحران‌های اقتصادی ناشی از طبیعت و سرشت این تمدن است که بر پایه و اساس تفسیر مادی از برای زندگی و حیات آدمی، پایه‌ریزی شده است.

بدیهی است که برای فائق آمدن بر بحران‌های اقتصادی و کشمکش‌های مکاتب که هر روز بر شدت آن افزون می‌گردد، هیچ امیدی وجود ندارد، مگر آن که تمدن مادی به طور کلی رخت بر بندد و از میان برداشته شود.

در عصر تمدن امام زمان -عجل الله تعالی فرجه الشریف- به کلیه این نزاع‌ها یعنی بحران‌های اقتصادی و کشمکش‌های ایدئولوژیکی به کلی

خاتمه داده می‌شود، زیرا که تمدن در عصر آن حضرت بر شالوده دین واحدی بنا خواهد شد، و آن دین اسلام خواهد بود. و در آن عصر غیر از دین مبین، دین و آیین و مسلک دیگری نخواهد ماند. بنابراین کشمکش برای ایدئولوژی وجود نخواهد داشت.

اما بحران‌های اقتصادی؛ آنچه که تمدن حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- به لحاظ شکوفایی اقتصادی خواهد داشت بسیار حایز اهمیت خواهد بود. به صورتی که در آن تمدن در سرتاسر جهان حتی یک نفر فقیر و نیازمند، نخواهد ماند. در آن عصر و در سایه تمدن حضرتش اختلافات طبقاتی، رخت بر خواهد بست، و کلیه مردم به لحاظ اقتصادی مساوی خواهند شد.

آیا در چنین وضعیت انگیزه‌ای برای وجود نگرانی خواهد بود؟
مسئلاً خیر.

اینک مروری بر احادیث داشته باشیم تا مشاهده نماییم چگونه این احادیث وضعیت امنیت در عصر امام مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- را برای ما ترسیم می‌نماید؟

در رابطه با چیره شدن بر بحران‌های اقتصادی در آن عصر، امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«یسوی بین الناس حتی لا تری محتاجاً الى الزکوة».

«آن چنان میان مردم تساوی برقرار می‌سازد تا جایی که نیازمند به زکات را هرگز نخواهی دید».

و در زمینه چیره شدن بر نزاع‌های ایدئولوژیکی، ابن عباس در

تفسیر آیه «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱، می‌گوید:

«این امر تحقق نمی‌یابد تا آنکه هیچ یهودی و مسیحی و

هیچ یک از مذاهب دیگر نخواهد ماند مگر آن که به دین

حق که عبارت است از دین اسلام پیوسته باشد»

و آنگاه که به نزاع و رویارویی مکتب‌ها و بحران‌های اقتصادی به

کلی خاتمه داده شود، زندگی و حیات اجتماعی، شکل دیگری به

خود خواهد گرفت که با زندگی کنونی ما و این نظام حاکم، تفاوت

بنیادی و اساسی خواهد داشت.

برخی از احادیث تصویرهایی گذرا از حالت امنیت در آن عصر

برای ما به صورتی بسیار زیبا، ترسیم می‌نماید.

در حدیثی از امام علی علیه السلام آمده است:

«لو قد قام قائمنا لانزلت السماء مطرها، و اخرجت الأرض

نباتها حتى تمشي المرأة من العراق الى الشام لاتضع

قدمها الا على النبات!، و على رأسها زنبيلها تمر به خاليا

فلا تصل غايتها الا و قد امتلاء من الخضر و الثمار!».

«آن زمان که قائم ما قیام کند، آسمان باران خود را فرو

می‌ریزد، و زمین فرآورده نباتات خود را برون می‌کند، تا

آن جا که زن از عراق به شام طی مسافت می‌نماید در این

راه هر جا که گام گذارد، روی نباتات و رؤییدنی‌ها قدم

۱. سوره توبه، آیه ۳۳. سوره صف، آیه ۹.

خواهد گذارد، و در حالی که زنبیل بر دوش می‌کشد، هنگامی که شروع به طیّ طریق می‌نماید زنبیل خالی می‌باشد، به محلّ منظور نمی‌رسد مگر آن که زنبیل وی از میوه و موادّ غذایی مملوّ شده باشد».

این حدیث دلالت ژرف و بسیار عمیقی دارد، و آن عبارت است از این که: سبزیها و میوه‌ها آن چنان زمین را پوشش خواهند داد، به صورتی که دیگر احتکار و مالکیت وجود نخواهد داشت. پس همگان از این نعمت‌های خداوندی به مقدار لازم، استفاده و بهره خواهند برد.

طبیعی است چنان که در آن زمان دیگر نیازمند نباشد، بنابراین دلیلی ندارد که احتکار بوجود آید و یا خرید و فروش باشد، بلکه همگان بر اساس نیازمندی‌های خود از آن بهره خواهند جست. به کارگیری کلمه «زن» به جای «مرد» در این حدیث، دلالت ویژه‌ای دارد، زیرا خطر و تهدیدی که به زن وارد است، همواره بیش از مرد می‌باشد، و این امری بدیهی است. اما در عصر امام مهدی علیه السلام دیگر خطری متوجه زن نخواهد شد.

همچنین عبارت «قدمهایش را بر روی گیاهان می‌نهد» مفهوم و معنای خاصی دارد که وفور و فراوانی نعمت را می‌رساند.

همچنین اختیار شام و عراق در این حدیث، مفهوم ویژه‌ای دارد. این حدیث از حضرت علی علیه السلام روایت شده است، و در زمان آن حضرت، جنگ‌ها و نابسامانی‌ها بر محور عراق و شام متمرکز بوده است.

همچنین، زنی که از عراق به مقصد شام حرکت می‌نماید، چنین تصویری به ما می‌نمایاند که امنیت و صلح در عصر تمدن حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - تا چه حد در خور اهمیت است. پس چنان که امنیت فراهم آید، آزادی نیز فراهم خواهد شد، اما نه آن آزادی صوری، که آزادی حقیقی فراهم خواهد شد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«حتی تخرج العجوز الضعيفة من المشرق ترید المغرب
لاینهاها أحد».

«تا آن جا که پیر ناتوانی از مشرق، به مقصد مغرب خارج
می‌گردد، و هیچ کس مانع او نخواهد شد».

پس حدود و ثغور میان بلاد گسترده الهی وجود نخواهد داشت، و نه سؤال و نه اعتراضی خواهد بود و هیچ محدودیتی برای آزادی انسان نمی‌باشد.

آیا هیچ مقایسه‌ای را می‌توان کرد میان حالت امنیت در عصر کنونی و میان عصر صاحب الزمان علیه السلام؛ امنیت کدام یک بیشتر است. آیا این کلّ امنیتی است که تمدن امام مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - برای مردم به ارمغان خواهد آورد؟.

خیر، بی‌گمان امنیتی که در تمدن او فراهم خواهد شد عبارت خواهد بود از: امنیت کلّ هستی نه فقط امنیت جزئی. اما کیفیت آن چگونه است؟.

در عصر او امنیت به تمام معنی تحقق خواهد یافت، از جمله

امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی و در امان بودن از کینه توزی و حسد و هر بیماری روانی و جسمی و حتی معلولیت‌ها، و نیز در امان بودن از حیوانات وحشی، و حتی امنیت در خود حیوانات برقرار خواهد شد.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در مورد این امنیت، می‌فرماید:

«لو قام قائمنا اذهبت الشّحناء من قلوب العباد و اصطلحت السّباع و البهائم حتّی ان المرأة تمشی من العراق الی الشّام لا یهیّجها سبع و لا تخافه»^۱.

«هنگامی که قائم ما قیام کند کینه توزی از دل‌های همه مردم رخت بر بسته، و درندگان و چهار پایان رام گشته تا آن جا که زنی از عراق تا شام طیّ طریق نماید در حالی که از هیچ درنده‌ای بیمناک نیست و درندگان به او آزاری نمی‌رسانند».

در این راستا خداوند متعال در «صحف ادریس» می‌فرماید:

«... در آن عصر (زمان حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف -) بر کلیه نواحی زمین امنیت را می‌گسترانم به نحوی که احدی به کسی زیان نمی‌رساند. و از یکدیگر در امان و بدون خوف خواهند بود، سپس حیوانات وحشی در کنار حیوانات اهلی در میان مردم به سر خواهند برد به گونه‌ای که هیچکدام به دیگری زیان و آزار

نمی‌رساند، چرا که در آن عصر آزار و زیان از تمام حیوانات اعم از وحشی و اهلی، سلب خواهد شد. و سمّ هر گزنده‌ای از بین خواهد رفت».

بی‌گمان پایین‌ترین خواسته‌های بشر در زمان کنونی این است که: همزیستی مسالمت آمیز میان همه مردم، تحقق یابد. اما همزیستی مسالمت‌آمیز میان حیوانات وحشی، این چیزی شبیه به رؤیاست و آرزوی هر انسان است! ولی این امر در عصر امام مهدی -روحی له الفداء- به صورت واقعی، بلکه یک مسئله طبیعی، تحقق خواهد یافت!

آیا این صلح و آرامش در جهان هستی نیست؟

پرسشی برای ما مطرح می‌گردد و آن اینکه: آیا قرآن کریم به این زندگی مسالمت آمیز در عصر امام مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- اشاره‌ای دارد؟

جواب به این پرسش را از زبان امام صادق علیه السلام می‌شنویم که در گفتگویی میان آن حضرت و «ابو حنیفه» آمده است؛ گفت و شنود به شرح زیر است:

امام صادق علیه السلام از ابوحنیفه چنین می‌پرسد:

ما را آگاه کن از کلام حق که می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَ قَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَ أَيَّاماً آمِنِينَ»^۱، «میان آنها و

سرزمین‌هایی که برکت داده بودیم، شهرها و آبادی‌های آشکار قرار دادیم، و فاصله‌های متناسب و نزدیک مقرر داشتیم، (و به آنها گفتیم) شبها و روزها در این آبادی‌ها در امنیت کامل مسافرت کنید». این کجای زمین است؟

ابوحنیفه پس از لحظاتی مکث چنین پاسخ داد:

گمان می‌کنم میان حرمین شریفین؛ مکه و مدینه است.

امام صادق علیه السلام به اصحاب و یاران خود که در دو سمت چپ و راست آن حضرت قرار داشتند، نگاهی افکند سپس فرمود:

«شما می‌دانید که مردم میان مکه و مدینه مورد هجوم راهزنان قرار می‌گیرند و اموال آنان را به غارت می‌برند، و یا خون آنها را بر زمین می‌ریزند، این چه امنیتی است؟»

ابوحنیفه درماند و سکوت اختیار نموده.

امام صادق علیه السلام به سخنان خود چنین ادامه داد:

مرا از کلام خداوندی آگاه ساز که می‌فرماید:

«فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»^۱.

«در آن خانه آیات آشکار (پروردگار) قرار دارد، مقام و پایگاه ابراهیم در آنجاست، و کسی که بدانجا در آید ایمن باشد».

ابوحنیفه جواب داد:

خانه خداست (بیت الله الحرام).

امام صادق علیه السلام فرمود:

«امنیت کجا بود آنگاه که «عبدالله بن زبیر» به آن مقام

پناه آورد، سپس «حجاج» او را از آن جایگاه بیرون آورد

و به قتل رسانید؟!»

ابوحنیفه برای بار دوم در ماند و سکوت برگزید.

لحظاتی بعد، ابوحنیفه از مجلس خارج شد. ابوبکر حضرمی

(یکی از حاضرین در مجلس) رو به امام صادق علیه السلام کرد و عرض نمود:

«معنی امنیت در این دو مقام چیست؟».

امام صادق علیه السلام فرمود:

اما آیه «سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَ آيَاماً آمِنِينَ»،

یعنی: «همراه قائم ما خاندان نبوت.» و اما فرمایش

خداوند متعال در این آیه: «مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»، یعنی:

هرکس با او بیعت کند و همراه آن حضرت وارد شود و از

زمره یاران امام عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در آید.».

این گونه است که آن حضرت آنچه را که انسان همراه با تلاش و

کوشش از صدها هزار سال پیش، از به دست آوردن آن عاجز و

درمانده است، تحقق خواهد بخشید.

اما آیا ما شاهد آن تمدن جهانی و صلح هستی، و همزیستی

مسالمت‌آمیز میان جمیع مخلوقات خداوند، خواهیم بود؟.

امیدواریم.

گشایش اقتصادی در سایه تمدن امام مهدی علیه السلام

آنچه تاکنون بر جوامع انسانی حاکم بوده است، عبارت از حاکمیت طبقاتی می باشد. یعنی تقسیم جامعه به دو طبقه غنی و فقیر.

و بر اساس این تقسیم بندی، جهان به دو بخش تقسیم می گردد:

کشورهای ثروتمند که نمی دانند چگونه و در کجا ثروت خود را خرج کنند، و کشورهای فقیر که نمی دانند چگونه و از چه راهی آب و نان بدست آورند.

علیرغم پیشرفت علمی و صنعتی که بشریت به دست آورده است، مشکل گرسنگی هنوز وجود دارد، و هر روز تعداد قربانیان گرسنگی در جهان - به جای کاهش - افزونتر می گردد.

بحران کنونی اقتصاد ناشی از دو قطبی شدن جوامع است که طبقه غنی باعث احتکار می شود، حتی ایالات متحده آمریکا از این امر مستثنی نیست. و در آنجا بسیاری از نیازمندان وجود دارند که

به نان شب احتیاج دارند، در حالی که گاه مصرف نوشابه همسایه ثروتمند آنان به مقدار قابل ملاحظه‌ای رسیده است تا این که بتواند تخمه خود را که بر اثر پرخوری شده است، بهبود بخشد و به حالت طبیعی باز گردد!

این است وضعیت انسان در سایه تمدن قرن بیستم در مرفی‌ترین و پیشرفته‌ترین کشورهای جهان کنونی!

اما در سایه تمدن امام مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- وضعیت به کلی تفاوت دارد.

نخستین نشانه اقتصاد در سایه تمدن آن حضرت، از میان رفتن نظام طبقاتی به طور کلی می‌باشد، بنابراین همه مردم در ثروت مساوی خواهند بود.

نشانه دوم عبارت است از رفاه اقتصادی، پس هر انسانی می‌تواند از آنچه بخواهد، بهره‌مند گردد.

نشانه سوم: عدم نیازمندی به اموال.

و در نهایت، عدم وجود هیچ نوعی از ستیز و تکاپو از برای به دست آوردن چیزی.

آیا امکان تصور چنین حالتی وجود دارد؟

در حال حاضر تصور چنین وضعیت اقتصادی مشکل و عجیب به نظر می‌رسد، که چگونه نظام طبقاتی از میان خواهد رفت، با توجه به این که در شوروی، علی‌رغم گذشت بیش از شصت سال از

تأسیس حکومت کمونیستی در آن کشور و کسب تجربه در این زمینه، مشکل طبقاتی هنوز هم وجود دارد؟

آن گاه انسان چگونه خواهد توانست آنچه که می‌خواهد به دست آورد؟

و نهایتاً: چگونه نیاز به مال و ثروت از میان خواهد رفت؟

حقیقت آن است که در عصر امام مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف-

همه چیز، طبیعی به نظر می‌رسد، اما مشروط و منوط به دانستن این مسئله که معیارهای این عصر با معیارهای عصر آن حضرت متفاوت است. هنگامی که می‌گوییم مشکل طبقاتی به طور کلی از میان خواهد رفت، بدان معنی نیست که حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- نظامی غیر از نظام اسلامی پیاده خواهد نمود.

نه بلکه توسط او نظام صحیح و اصیل اسلامی بر روی کره زمین استقرار خواهد یافت.

از این جاست که توان قضاوت نمودن دربارهٔ عصر او در مانیست، زیرا که معیارها و ابزار سنجش مسائل آن عصر را در دست نداریم. و ابزار تحلیل عصر کنونی عاجز از تحلیل مسائل عصر حضرت قائم -عجل الله تعالی فرجه الشریف- می‌باشد. چون همه اشیاء در آن زمان دگرگون خواهد شد.

مسئلاً عوامل فراوانی در ساختار تمدن حضرتش دخالت دارد، از جمله: مسائل غیبی، که پشتوانهٔ محکمی برای او و یاران آن

حضرت خواهد بود و به آنان کمک و مساعدت در خور توجهی خواهد نمود.

و این عامل بسیار مهم و کار آمدی است که باید ابعاد و جوانب تأثیر آن در جامعه انسانی آن عصر را بشناسیم.

بنابراین با هم نگاهی می افکنیم به احادیث و روایاتی که وضع اقتصادی در آن عصر طلایی و شکوفایی را برای ما روشن می کند:

۱ - رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«تَنْعَمُ أُمَّتِي فِيهِ نِعْمَةٌ لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ، تَوْتِي الْأَرْضَ فِيهِ أَكْلَهَا، وَ لَا تَدَّخِرُ مِنْهُ شَيْئًا، وَ الْمَالُ يَوْمئِذٍ كَدُوسٌ يَأْتِيهِ الرَّجُلُ فَيَقُولُ: يَا مَهْدِي اعْطِنِي فَيَقُولُ لَهُ: خذْوَ يَحْتَسِي لَهُ مِنَ الذَّهَبِ فِي ثُوبِهِ مَا اسْتَطَاعَ أَنْ يَحْمِلَهُ»^۱.

«برخورداری از نعمت‌ها برای امت من به حدی می رسد که هیچ امتی این چنین تنعمی نداشته است. زمین هر چه نعمت در خود دارد، در معرض استفاده انسانها قرار می دهد، و هرگز از آن نعمت‌ها در خود نگه نخواهد داشت. مال در آن زمان چنان انباشته می شود که مردی به آن حضرت می گوید:

یا مهدی به من عنایت فرما. آن حضرت می فرماید: بگیر.

۱. منتخب الاثر، ص ۴۷۳، شماره ۲. نزدیک به آن در بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۹، شماره ۱۸۶ آمده است.

سپس به اندازه توانایی برای بردن، به او طلا می دهد.»

اما درباره وضعیت محصولات کشاورزی:

۲ - رسول خدا ﷺ می فرماید:

«لا تدع السماء شيئاً من قطرها الا حبه مدراراً، و لا تدع

الارض من نباتها شيئاً الا اخرجته، حتى يتمنى الاحياء

حضور الاموات.»

«آسمانها هر چه دارند به زمینان فرو خواهند فرستاد،

زمین، محصولات کشاورزی را از درون خود برون خواهد

داد، تا آن جا که زنده گان، حضور مرده ها را تمنی

می کنند.»

درباره مساوات اقتصادی و از بین رفتن مشکل طبقاتی، حدیث

دیگری می فرماید:

۳ - در «صحف ادریس» به نقل از حضرت موسی عليه السلام آمده است:

«پس برکات و نعمت ها را از آسمان و زمین نازل می نمایم.

زمین از زینت گیاهان گلستان می گردد، چرا که تمام

میوه ها و انواع خوردنی هایش را برون می دهد، پس

رحمت خدا را میان بندگان به طور مساوی تقسیم

می نمایم، بنابراین فقیر، غنی می گردد به نحوی که کسی

بر دیگری برتری نخواهد یافت.»

۴ - در حدیثی از امام باقر عليه السلام آمده است:

«یسوی بین الناس حتی لاتری محتاجاً الی الزکوة».

«آن چنان میان مردم مساوات و برابری برقرار می‌کند، تا

آن جا که هیچ کس را محتاج زکات در میان مردم نیابی».

این چنین مردم در سایه تمدن اسلامی که امام مهدی -عجل الله

تعالی فرجه الشریف- آن را برپا خواهد نمود، زندگی خواهند کرد.

آیا این نسل آن را خواهد دید؟.

ممکن است، و ممکن است آن تمدن را دهها نسل آینده هم

مشاهده نکند، چرا که زمان ظهور آن حضرت برای ما مشخص

نیست. لکن مسئله مسلم و حتمی این است که آن تمدن سرانجام

روزی برپا خواهد شد. و صدها هزار سال پاینده و برقرار خواهد

ماند.

خداوند این چنین اراده فرموده است، و اراده خداوند به طور

قطعی محقق خواهد شد.

شکوفایی عمران و آبادانی در عصر حضرت مهدی علیه السلام

مترقی‌ترین و بالنده‌ترین ملت‌ها در عصر کنونی مقدار ۲۵٪ از نیرو و امکانات خود را بکار می‌برند، ملت‌های میانه، بیش از ۱۰٪ از قدرت و نیروی خود را به کار نمی‌برند! و ملت‌های عقب نگه‌داشته شده تنها ۱٪ از امکانات و نیروی خود را به کار می‌گیرند.

حاصل تلاش این ملت‌ها که قدرت خود را به کار می‌برند همین تمدن کنونی عصر ما می‌باشد.

بنابراین چنان که همه ملت‌ها ۱۰۰٪ امکانات و نیروی خود را به کار گیرند، چگونه خواهد شد؟

بشریت در این عصر، مقدار بسیار ناچیزی از نیروی طبیعی هستی را به کار می‌گیرد، پس چنان که تمام نیروی هستی را به استخدام خود در آورد، چه خواهد شد؟

آن‌گاه ساختار چیزها و قوانین و همه چیز در آن تمدن دگرگون خواهد شد.

آن زمان به تمدن قرن بیستم خواهیم خندید، و به عقل‌های

خود که در گذشته، تمدن قرن بیستم را اوج تمدن انسانی تصور می‌نمود، تسلیم خواهیم گفت.

آن هنگام لقب «غول آسا» به ساختمان‌های آسمان خراش قرن بیستم نخواهیم داد، بلکه «کوتوله» خواهند شد.

آن گاه افزایش دادن عمر انسان، یک رؤیا در ذهن دانشمندان نخواهد بود، بلکه حقیقتی خواهد شد که در بازار و خیابان‌ها، قدم خواهد زد.

آن هنگام زمین در پایتخت‌های بزرگ به واحد متر فروخته نخواهد شد، بلکه با وجب خرید و فروش خواهد شد، این وجب‌ها با مقداری اسکناس خرید و فروش نخواهد شد، بلکه هر وجب زمین معادل یک وجب طلا خرید و فروش خواهد شد.

آن گاه عمران و آبادانی تنها منحصر و محدود در ساختمان نخواهد شد، بلکه شامل: زمین، ساختمان‌ها و عمر انسان، می‌شود.

آن وقت سخن از مشکل گرسنگی و فقر و کمبود مواد غذایی، و مشکل تربیت و محدود ساختن نسل آدمی به دو یا سه فرزند، نخواهیم راند، در آن هنگام تمامی زمین بهشت خواهد شد و به صورت یک شهر در خواهد آمد که ساختمان‌های این شهر به یکدیگر متصل شده و انسان به جای دو یا سه فرزند، هزار فرزند خواهد داشت!!، چنان که زمین گنجایش چنین مجموعه‌ای را نداشته باشد، کرات دیگر آسمان مورد استفاده مردم قرار خواهد

گرفت که در آن هنگام ابزار و وسایل مسافرت به کرات دیگر آسمان به صورت بسیار ساده و آسان و سریع، فراهم خواهد شد!!
کتب مقدّس آسمانی و احادیث رسول خدا ﷺ و ائمه طاهرين عليهم السلام، چنین مطالبی را به ما می‌گویند.
و باید اینگونه باشد.

در سایه نظامی که امنیت، صلح، آزادی، عدالت، گشایش اقتصادی و ایمان واقعی به خداوند در آن باشد، در این صورت، باید چنین تمدنی به وجود آید.
آیا چنین نیست؟

اینک به احادیث بنگریم که چگونه شکوفایی عمرانی در عصر حضرت بقیة الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - برای ما ترسیم می‌نماید.
امام صادق عليه السلام می‌فرماید:

«انّ قائمنا اذا قام اشرقت الارض بنور ربّها، و استغنى الناس، و يعمر الرجل في ملكه حتى يولد الف ذكر و يبني في ظهر الكوفة مسجد له الف باب»^۱.

۱. امام صادق عليه السلام به مفضل چنین می‌گوید:

«انّ قائمنا اذا قام اشرقت الارض بنور ربّها، و استغنى العباد عن ضوء الشمس، و ذهبت الظلمة، و يعمر الرجل في ملكه حتى يولد له الف ذكر، لا تولد فيهم انثى و تظهر الارض كنوزها حتى تراها الناس على وجهها، و يطلب الرجل منكم من يصله بما له، و يأخذ من زكاته، لا يوجد احد يقبل منه ذلك. استغنى الناس بما رزقهم الله من فضله».

«وقتی قائم ما قیام نماید، زمین با نور پروردگارش منور می‌گردد. و همه مردم بی‌نیاز می‌شوند. و مرد آن قدر در دنیا عمر پیدا می‌کند تا صاحب هزار فرزند ذکور خواهد شد. و در آستانه شهر کوفه مسجدی برای خود می‌سازد که هزار در داشته باشد.»

آنگاه خانه‌های شهر کوفه به رودخانه شهر کربلا و حیره متصل می‌گردد^۱.

در گفت و شنودی نسبتاً طولانی که میان امام صادق علیه السلام و یکی از یارانش به نام «مفضل بن عمر» صورت گرفت، مفضل از امام صادق علیه السلام پرسید:

ای مولای من! آیا تمام مؤمنین در کوفه به سر خواهند برد؟
امام صادق علیه السلام در جواب فرمود:

«آری! به خدا سوگند کسی از مؤمنین نمی‌ماند مگر آن که در

^۱ «زمانی که قائم ما قیام نماید، زمین با نور پروردگارش روشن می‌گردد، و بندگان خدا از نور خورشید بی‌نیاز می‌شوند، تاریکی رخت بر می‌بندد. مرد آنقدر در دنیا عمر پیدا می‌کند تا که صاحب هزار فرزند ذکور خواهد شد. در میان آنان فرزندان اناث (دختر) متولد نخواهد شد. زمین، گنج‌هایش را نمایان می‌سازد تا آنکه مردم آن گنج‌ها را به عیان مشاهده می‌نمایند. و مرد از شما می‌خواهد که هرچه از مال او به شما می‌رسد بر دارید، و زکات را از او وصول کنید، که هیچ کس این کار را انجام نمی‌دهد، چرا که مردم از آنچه خداوند تفضل نموده است استفاده می‌نمایند، و از گرفتن از مال مردم بی‌نیاز خواهند بود.»

بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷، شماره ۷۷.

۱. مسافت میان شهر کربلا و شهر کوفه بیش از صد کیلومتر می‌باشد.

کوفه و یا اطراف آن به سر خواهد برد. و ارزش جولانگاه یک اسب از سرزمین کوفه به دو هزار درهم خواهد رسید. آن زمان بیشتر مردم آرزو خواهند نمود که اگر بتوانند یک وجب از سرزمین «سبع»^۱ را در ازای یک وجب طلا خریداری نمایند. کسانی که می خواهند از شهر کوفه بگذرند، فاصله آن پنجاه و چهار میل می باشد.^۲

مناطق مسکونی و ساختمانهای شهر کوفه به مناطق مسکونی شهر کربلا خواهد رسید. و خداوند، شهر کربلا را مقام و منزلتی عنایت خواهد فرمود که ملائکه و مؤمنین در آن رفت و آمد خواهند نمود. کربلا آنچنان شأن و عظمتی نصیبش خواهد شد که اگر مؤمنی در آن باشد و از خدا در آن شهر طلب حاجتی نماید، خداوند در جواب طلب آن مؤمن به ازای هر طلبی، به اندازه هزار بار مُلک این دنیا، عنایت خواهد فرمود!».

امام صادق علیه السلام لحظه‌ای مکث نمودند سپس به سخنان خود چنین ادامه دادند:

«ای مفضل! بی‌گمان قسمت‌هایی از زمین به یکدیگر فخر و مباحات نموده‌اند، که کعبه خانه خدا بر تربت کربلا فخر و مباحات نمود، سپس خداوند به آن وحی فرمود: ای کعبه ساکت باش، دیگر در برابر کربلا فخر و مباحات مکن. چرا که کربلا همان شجره مبارکه

۱. «سبع» منطقه‌ای در اطراف همدان است.

۲. شهر کوفه اکنون یک شهر کوچک است.

می‌باشد، که موسی -علیه السلام- از میان آن درخت ندا داده شد، و همان تپه‌ای است که مریم و عیسی -علیهما السلام- به آن پناه آورده بودند، و این همان آب فرات است که سر مبارک امام حسین علیه السلام در آن شسته شد. و در آن حضرت مریم پس از تولدش شستشو داده شد.

و آن (کربلا) بهترین سرزمینی است که رسول الله صلی الله علیه و آله هنگام معراج، از آن عروج نمود. و این سرزمین (کربلا) برای شیعیان ما خیر و برکتی باشد، تا آنگاه که قائم ما قیام کند».

آیا آن عصر را شاهد خواهیم بود که کربلای مقدسه به عنوان منزلگاه مؤمنین خواهد شد؟. امیدواریم.

اوج کمال انسانی در عصر امام مهدی علیه السلام

تا انسان به اوج کمال ذاتی نرسد، محال است به سعادت حقیقی نائل شود.

و چون سعادت حقیقی تنها در عصر حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - تحقق آن امکان پذیر است، ناگزیر انسان به اوج «کمال ذاتی» خواهد رسید.

کمال ذاتی چیست؟

کمال ذاتی همان کمال عقلی + کمال خلقی + کمال جسمی می باشد. در پیرامون کمال عقلی، حدیثی می فرماید:

«اذا قام قائمنا وضع یدہ علی رؤوس العباد فیجمع بہا عقولہم و تکمل بہا احلامہم»^۱.

۱. این حدیث با حدیثی که در منتخب الاثر، ص ۴۸۳ وجود دارد، تقریباً تطبیق دارد. حدیث دیگری که در بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، شماره ۷۱ وجود دارد با اندک اختلافی عیناً نقل می شود.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«اذا قام قائمنا وضع یدہ علی رؤوس العباد فجمع بہ عقولہم و اکمل بہ اخلاقہم».

«آنگاه که قائم ما قیام کند، دست خود را بر سر بندگان

[خدا] می‌نهد، پس عقل‌های ایشان متمرکز می‌شود، و

رؤیاهایشان محقق می‌گردد».

در پیرامون کمال روحی، احادیث بسیاری موجود است که

حکایت دارد از این که: امنیت و اطمینان روحی در نفوس جمیع مؤمنین

حاصل خواهد شد.

در پیرامون کمال خلقی، احادیث می‌فرمایند:

بی‌گمان در آن عصر جنایات و رذایل اخلاقی از جمیع بلاد، رخت بر

خواهد بست.

درباره کمال جسمانی، احادیث می‌فرمایند:

خداوند به انسان عمر زیاد عنایت خواهد فرمود و مدت بسیاری

خواهد زیست تا آن جا که در حیات خویش از هزار فرزند از خود

برخوردار خواهد شد.

و این چنین، انسان در آن عصر به قلّه کمال عقلی، روحی،

خلقّی و جسمانی، خواهد رسید.

آیا انسان چیزی دیگر غیر از این‌ها را می‌خواهد؟

امام مهدی علیه السلام چگونه پیروز خواهد شد؟.

در اینجا ناچار از طرح یک سؤال مهم هستیم که همواره هر جا سخنی پیرامون حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- به میان آید، این سؤال در ذهن انسان مطرح می‌گردد، و آن عبارت است از اینکه: چگونه او با شمشیر بر تمام زمین مسلط خواهد شد، در حالی که ابرقدرتها، مسلح به سلاح‌های استراتژیکی و الکترونیکی و اتمی می‌باشند؟.

جواب:

ابتداء باید گفت که امام -علیه السلام- تنها به وسیله شمشیر بر زمین مسلط نخواهد شد، بلکه با نیروهای ذیل به پیروزی نائل خواهد شد:

۱ - رعب و ترس.

۲ - ملائکه.

۳ - نیروها و قوای هستی.

۴ - شمشیر.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«بی گمان رعب و وحشت به مدت یک ماه، پیش، و در پی

آن حضرت حرکت خواهد نمود».

بدون شک رعب نیرومندترین سلاحی است که دشمنان در مقابل آن تاب مقاومت را از دست می دهند. و بی گمان رعب بمب اتمی بود که «ژاپن» - این کشور نیرومند - را در جنگ دوّم وادار به تسلیم در برابر آمریکا نمود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

«من با رعب پیروز شدم».

تحقیقاً رعب و ترس یک ساعته، سلاح برّنده‌ای است در به ثمر رساندن جنگ به سود طرف ارباب کننده، بنابراین، رعب یک ماه کامل چه نتیجه‌ای خواهد بخشید؟. طبعاً نتیجه مطلوب در بر خواهد داشت.

اما ملائکه در معیت آن حضرت نبرد خواهند نمود، همان گونه که در معیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مقابله با دشمن به نبرد پرداختند، (آن گونه که قرآن برای ما بازگو می کند) لکن کیفیت آن را نمی دانیم که به صورت عیان و یا به طور نامرئی ستیز خواهند نمود. مهمّ این است که در نبرد، در کنار حضرت قائم علیه السلام شرکت خواهند کرد. بدون تردید سلاح - هر چه باشد - در برابر ملائکه الله کارساز و مؤثر، نخواهد بود، چرا که ملائکه از سنخ غیر بشر هستند.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«ينصره الله بالملائكة المسوّمين و المردفين و المنزلين و الكرويين يكون جبرائيل و ميكائيل عن يمينه و اسرافيل عن يساره و الرّعب مسيرة شهر امامه و خلفه»^۱.

«خداوند او (حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف-) را به وسیله ملائکه مسوّم و مردف و منزل و کروبی، یاری و نصرت می دهد. در سمت راست آن حضرت جبرئیل و میکائیل و در سمت چپ ایشان اسرافیل می باشند. رعب و ترس به مدّت یک ماه، پیش و بعد از آن حضرت حرکت خواهد کرد».

آیا سلاح اتمی در برابر جبرئیل و میکائیل، کارساز و مؤثر خواهد افتاد؟

سلاح «نیروی هستی» البته سلاحی کار آمد و بسیار عظیم است.

تمام سلاح های بشری، در برابر این سلاح ناتوان خواهد شد.

این نیروی هستی و تکوینی چیست؟

قوای هستی مانند: سیل و صاعقه و طوفان، و هر نیروی

تکوینی موجود در هستی می باشد که به کار گرفته خواهد شد.

آن گاه که (به اذن خدا) نیروی طوفان در خدمت حضرت مهدی

عجل الله تعالى فرجه الشريف - در آید از سلاح‌های اتمی و الکترونیکی چه کاری ساخته است؟

برخی از احادیث، داستان پاره‌ای از مردمی که هنگام ظهور آن حضرت در برابر او قد علم خواهند کرد را برای ما بیان می‌کنند، که خداوند منان به وسیله باد آنان را از بین خواهد برد.

حضرت به طوفان سیاهی دستور می‌دهد، آنان را همچون انتهای شاخه پوسیده نخل سازد.

در روز احزاب آنگاه که نیروهای شرک و الحاد، شهر مدینه را مورد تعرض و تهاجم گستاخانه قرار دادند. رسول الله صلی الله علیه و آله به وسیله نیروی باد شدید و رعب و ترس دهشت آور، بدون اینکه با آنان بستیزد، بر آنها غلبه نمود!

قرآن کریم این داستان را برای ما چنین بازگو می‌فرماید:

«وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ، وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا، وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا»^۱.

«خدا کافران را با دلی مملو از خشم باز گرداند بی آنکه نتیجه‌ای از کار خود گرفته باشند، و خداوند (در این میدان) مؤمنان را از جنگ بی‌نیاز ساخت (و پیروزی را

امام مهدی علیه السلام چگونه پیروز خواهد شد؟ / ۱۰۷

نصیبشان کرد) و خدا قوی و شکست‌ناپذیر است. و خداوند گروهی از اهل کتاب را که از آنها (مشرکان عرب) حمایت کردند از قلعه‌های محکمشان پایین کشید، و در دلهایشان رعب افکند (کارشان به جایی رسید که) گروهی را به قتل می‌رساندید و گروهی را اسیر می‌کردند».

و پس از این نیروها، شمشیر، این سلاح درخشنده، به میان خواهد آمد تا نبرد و ستیز را به پایان رساند.

و از نشانه‌ها و علامات امام مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ظهور با شمشیر می‌باشد.

بنابراین حضرتش به وسیله رعب، ترس، نیروی غیبی، ملائکه، و شمشیر، پیروز خواهد شد.

این یک پاسخ است، اما پاسخ دوم عبارت است از اینکه: چه کسی می‌گوید که در آن عصر، اسلحه اتمی وجود داشته باشد؟.

و چه کسی می‌تواند بگوید که در آن روز، ابرقدرتها در عرصهٔ حیات باشند؟.

برخی احادیث چنین بیان می‌نمایند:

بی‌گمان پیش از آنکه امام مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ظهور نماید، دو سوّم جمعیت روی زمین از میان خواهند رفت.

لکن چگونه از بین خواهند رفت؟.

پاسخ: نمی دانیم.

- به بیماریهای کشنده؟

- ممکن است.

- توسط جنگ جهانی، که عده معدودی باقی خواهند ماند؟

- ممکن است.

- به وسیله گرسنگی فراگیر؟

- ممکن است.

- توسط زلزله و طوفان؟

- ممکن است.

- به وسیله انواع دیگری از بلاها و مصائب که هنوز برای ما

ناشناخته است؟

- ممکن است.

مهم این است که دو سوّم از جمعیت روی زمین از میان خواهند رفت، و این مسئله مورد تأکید سخنان خداوندی در کتب مقدّس و احادیث وارده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين علیهم السلام می باشد. یکی از احادیث مزبور به شرح زیر است:

در گفت و شنود نسبتاً طولانی که میان امام صادق علیه السلام و مفضل

بن عمر، پیرامون مسائل مهمّ امام مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - صورت

گرفت. مفضل از امام صادق علیه السلام پرسید:

- ای سرور من، دستگاه ظلم و فسق آن گاه [که حضرت مهدی

امام مهدی علیه السلام چگونه پیروز خواهد شد؟ / ۱۰۹

عجل الله تعالی فرجه الشریف - ظهور فرماید [چگونه خواهد شد؟]

امام صادق علیه السلام فرمود:

- مورد لعنت و عدم رضایت خدا قرار خواهد گرفت. فتنه‌ها آن را
ویران و تباه می‌سازد. پس بدا به حال آن و هر چه در آن است.

وای به حال آن‌ها از پرچم‌های زرد.

و پرچم‌های مغرب زمین.

و کسی که کلیه مردان جزیره را گرد آورد.

و از پرچم‌هایی که از دور و نزدیک در پی آنان خواهند آمد.

پرچم‌های زرد چیست؟ آیا این اشاره‌ای به پرچم‌های ارتش

چین و روسیه است؟

پرچم‌های غربی چیست؟

آیا این اشاره‌ای به پرچم‌های ارتش‌های کشورهای اروپایی و

آمریکایی است؟

مراد از پرچم‌هایی که از دور و نزدیک در پی آنان خواهند آمد

چیست؟

آیا این پرچم‌ها، پرچم‌های ارتش کشورهای در حال رشد و پیرو

دولت‌های ابرقدرت، می‌باشند؟

پاسخ این پرسش‌ها را به عهده خواننده می‌گذاریم، به شخصی

که می‌خواهد مفهوم این حدیث را خود استنباط نماید.

اما سرنوشت این همه پرچم و ارتش به کجا می‌انجامد؟

امام صادق علیه السلام به این پرسشها پاسخ می‌فرماید:

«به خدا سوگند که انواع گوناگون عذاب‌ها، همان گونه که بر امت‌های

گستاخ و نافرمان گذشته و آینده است، نازل خواهد شد.

عذاب به گونه‌ای نازل خواهد شد که هیچ گوش آن را نشنیده است!!

آنان با خون‌هایی که به وسیله شمشیر بر زمین خواهند ریخت غرق

خواهند شد!»

سپس امام صادق علیه السلام به ساکنان خانه‌های ظلم و فسق، هشدار

می‌دهد، می‌فرماید:

«بدا به حال شخصی که آن دستگاه و خانه فسق را برای خود مسکن

گزیند. پس کسی که قصد اقامت در آن را دارد با شقاوت و نگون بختی به

سر خواهد برد. و شخصی که از آن (دستگاه ظلم) خارج شود، رحمت

خداوندی شامل حال او می‌شود»^۱.

بنابراین، امام مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - تنها به وسیله شمشیر

پیروز نخواهد شد، بلکه کفار و اهل فسق و فجور مانند اکنون که

هستند، نیرومند و قوی نخواهند ماند، که آتش فتنه‌های داخلی و

جنگ‌های خارجی و عذاب‌های عظیم الهی، آنان را به هلاکت

خواهد رساند.

سیمای حکومت حضرت مهدی (عج) در قرآن

۱- «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱.

«او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه آیین‌ها غالب گرداند هر چند مشرکان کراهت داشته باشند».

۲- «وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۲.

«مادر «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان صالح من وارث (حکومت) زمین خواهند شد».

۳- «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»^۳.

۱. سوره توبه، آیه ۳۳.

۲. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۳. سوره قصص، آیه ۵.

«اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین در زمین منت نهیم،
و آنها را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.

حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم، و به فرعون و هامان و
لشکریان آنها، آنچه را بیم داشتند از این گروه نشان دهیم».

۴ - «قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا، إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا
مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ^۱».

«موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جوید، و استقامت پیشه
کنید، که زمین از آن خداست و آن را به هرکس بخواهد (و شایسته
بداند) واگذار می‌کند؛ و سرانجام (نیک) برای پرهیزگاران است».

والسلام